اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه ایمانی مهدی عنوان و نام پدیدآور : اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن تالیف مهدی فقیه ایمانی مشخصات نشر : مهدی فقیه ایمانی ۱۳۷۶.  
مشخصات ظاهری : ص ۱۶۸  
شابک : ۳۰۰۰ریال ؛ ۳۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس موضوع : مهدویت موضوع : احادیث اهل سنت موضوع : محمدبن حسن عج ، امام دوازدهم ۲۵۵ق - .  
رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ف‌۷الف‌۶  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی : م‌۷۷-۷۸۵۲

مقدمه

قال النبیّ صلی اللّه علیه و آله:من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمّدپیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود:کسی که خروج ـ و قیام جهانی ـ مهدی را انکار نماید،پس محققًا بدانچه ـ از طرف خداـ بر محمّد نازل شدهکفر ورزیدهقال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله:من کذّب بالمهدی فقد کفررسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:کسی که مهدی را دروغ پندارد و تکذیب کند،پس بدون شک گرایش به کفر جسته

مهدی منتظر و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

بسمه تعالی با مروری بر مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی، وتفسیری شیعه وسنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی مشخصات خانوادگی و پدران و اجدادش را آنچنان دقیقا اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان «مهدی منتظر» خنثی و منتفی نمود، همانا شخص پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله بود.آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی، بر اساس وحی الهی، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز با ایراد یک سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام «حضرت مهدی واقعی» باشند.هم فریب مهدی های دروغین وساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند، وهم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند.براین اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول روایتی، تفسیری، کلامی و تاریخی هریک از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و خلافت بعد از خود، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع اخرین خلیفه «برحق بعد از خود ویگانه مصلح جهانی» یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکیش و از آن پس دوران های غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش، تکیه نمود.بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع بیشمار حدیثی و تاریخی و عقیدتی که بخشی از هریک مختص به ذکر احادیث «مهدی منتظر» است،تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم های مختلف و سبک های گوناگون، هریک بیانگر ده ها و صدها روایت از رسول خدا (ص) در باره شئون حیاتی، خانوادگی، شکل وشمایل، و مقام امامتی «امام مهدی منتظر می باشد، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود [1] .براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او.در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری، (5 سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجة بن الحسن) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و مقاله درحد کتاب و رساله به زبان های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم علما و دانشمندان شیعه و سنی تالیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده، وبالاخره نه هیچ گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابیت برجای گذارده، ونه سرنخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت (در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری ع) و نه زمینه ای برای خلط مبحث (مستشرقین غربی، یا شرقی های غرب زده) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات و یاوه گوئی.اما متاسفانه می بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه یک مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی، که یک مسلمان برخوردار از عناوین پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول ــ با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی وتاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه های فراوان و پر محتوای ترکیه ــ از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه (برمبنای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت ترین دشمنان اسلام) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه گی اسلامی و برخورداری از عالیترین درجه اعتبار، در درجه هرچه ضعیف ترِ کمّی و کیفی تلقی نموده و از این رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام گیری از یهود و نصاری وانمود می کند.یا ناشی از فشارها و محدودیت های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را ــ یعنی امر مهدی منتظر را ــ در رابطه با آن رخدادها اختراع و مطرح کردند.آری قرنها قبل از به نمایش درآمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال:ــ دونالد سن داویت، مؤلف «عقیده الشیعه»،بزبان انگلیسی، (که ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید) و جهت آگاهی بر دروغ بافی های او چه بهتر مراجعه شود به الغدیر علامه امینی ج 3 ص 320 ــ 323،ــ ولهوسن، مؤلف «الخوارج و الشیعه»،ــ فان فلوتن، (1866ــ 1903 م) مستشرق هلندی و مؤلف «السیادة العربیه و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه»،ــ گولدزیهر یهودی، (1850ــ1921م) مستشرق فرانسوی مؤلف «العقیدة و الشریعه فی الاسلام»،ــ کارل بروکلمان، (1868ــ1956م) مستشرق آلمانی ومؤلف «تاریخ الشعوب الاسلامیه»،ــ لویس ماسینیون، (1883ــ1962م) مستشرق فرانسوی ومؤلف آثاری از قبیل کتب فوق،که با بیگانگی همه جانبه از اسلام هریک موضوع مصلح جهانی اسلام ــ یعنی مهدی منتظر عج و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرتش را همانند دیگر حقایق اسلامی) مورد تخطئه و تکذیب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتندو نیز قبل از سر از آب درآوردن یک عده مسلمان نمای غرب زده و بی اعتنای به مبانی دینی و سنت پیامبر (ص) و بدور از عالم حدیث شناسیــ امثال:ــ شیخ محمد عبده مصری، (1266ــ1323) مؤلف «شرح نهج البلاغه»!ــ رشید رضا مصری (1295ــ1354) مؤلف «مجله المنار» و «السنة و الشیعه».ــ فرید وجدی مصری، (1292ــ1373) مؤلف «دائرة المعارف القرن العشرین».ــ احمد امین مصری، (1295ــ1373) نویسنده المهدی و المهدویة» و «ضحی الاسلام» و «فجر الاسلام».ــ سعد محمد حسن مصری، شاگرد احمد امین، نگارنده «المهدیة فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم».ــ ابوزهره مصری، از زمره علمای جامع ازهر مصر، مؤلف «الامام زید» و «الامام الصادق».ــ دکتر احمد محمد علی، مؤلف «دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین».ــ علی حسین السائح لیبیائی، مؤلف مقاله تراثنا و موازین النقد» مندرج در مجله کلیة الدعوة الاسلامیه لیبی شماره 10، سنه 1993 صفحه 185 و 205.ــ محمد عبدالکریم عنّوم، مؤلف رساله دکترای فلسفه به نام «النظریة السیاسیة المعاصرة للشیعه الامامیة الاثنی عشریة».ــ دکتر سلمان بدور، صاحب «مقدمه» بر رساله عنّوم.ــ شیخ عبداللّه بن زید آل محمود، رئیس شئون دینی و محاکم شرعی قطر، مؤلف «لامهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر».ــ و شیخ جبهان در «تبدید الظلام» و جز اینها شیخ... و ابو...ابن خلدون مغربی (درگذشته 808)، احادیث پیرامون مهدی منتظر را در تاریخش (ص 555)، فاقد اعتبار کمی و کیفی وانمود کرد و گفته های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت و قیام جهانی مهدی منتظر، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و انکارحقایق اسلامی گردید، در صورتیکه ابن خلدون یک مورخ نا آشنای با عالَم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوئیهای پیامبر اکرم(ص) را پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او در 19 روایت وانمود و تخطئه کند.همچنانکه حدود سه قرن و نیم پیش از پیدایش ابن خلدون، ابن حزم اندلسی ظاهری (درگذشته 456هـ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخواست، آن چنانکه عده ای از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته های او دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند.و ابن حزم را کتابی است به نام «الفصل فی الملل و الاهواء و النحل» که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت مهدی منتظر داده است.جالب توجه اینکه ردنویسان بر این کتاب ها و مقالات و شبهه افکنی ها، وباز کننده گان مشت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر و اثبات صحت و برخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هرچه بیشتر عالم حدیث شناسیــ بیکار ننشستند، بلکه بهترین و محققانه ترین ردّیه ها را بر آنها نوشته و انتشار دادند و از این رهگذر مشت خرابکاری و بیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز و بساط دروغبافی و انکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عج را برچیدند، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه و مشاغل وقت گیر تنها به تعدای از آنها برخورد نمودم و لازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم و آنهابدین قرار است:

ردیه های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

1ـ ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون،ابوالفیض سید احمدبن محمد بن صدیق غماری، شافعی، ازهری، مغربی، (درگذشته1380) چاپ مطبعه ترقی دمشق 1347،

2ـ ابراز الوهم من کلام ابن حزم،احمدبن صدیق غماری مؤلف قبل، چاپ 1347 مطبعه ترقی دمشق،

3ـ الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر،شیخ حمّود بن عبداللّه تویجری، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، در رد بر شیخ ابن محمود قاضی قطر در دو جلد، چاپ جلد اول 1394 و جلد دوم 1396 در ریاض،

4ـ الی مشیخة الازهر،شیخ عبداللّه سبیتی عراقی در رد بر «المهدویة فی الاسلام» سعد محمد حسن، چ 1375 هـ دارالحدیث بغداد،

5ـ تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر،شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع (1385) پیرامون اثباث احادیث حضرت مهدی، و در ردّ گفته های ابن خلدون،

6ـ الجزم، لفصل ابن حزم،در ردّ ابن حزم است که بخشی از کتاب «الفصل فی الملل و الاهوا و النحل» او در تخطئه و تکذیب احادیث مهدی منتظر میباشد، و شیخ کاظم حلی (متولد حوالی 1300) آن را در دوجلد ضخیم تنظیم و چاپ نمود. [الذریعه 5/104]،

7ـ الرد علی من کذّب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی،عبدالمحسن العباد، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت تدریسی آن، چاپ مجله دانشگاه شماره 45 ص 297 ــ 328 و شماره 46 ص 361 ــ 383،این مقاله یا رساله که بیانگر محققانه ترین بحث حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد بر کتاب «لامهدی ینتظر بعد الرسول» شیخ ابن محمود قطری است و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده، هرچند در امر ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می باشد که اعتراف به هر دو موضوع نموده اند، و این جانب را در این زمینه با او خاطره ای است که در کتاب «شناخت امام» آورده ام و در اینجا مجال ذکرش نیست،

8ــ مع الدکتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه،محمد امین زین الدین چاپ مطبعه دارالنشر نجف اشرف 1371 هـ 1951م،

9ــ المهدی واحمد امین،محمد علی زهیری نجفی، چاپ اول 1370هـ 1950 م نجف اشرف،این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است،

10ـ نقد الحدیث بین الاجتهاد و التقلیدسید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی، چاپ دوم قم، 1417هـ،11ـ الوهم المکنون فی الردّ علی ابن خلدون،ابوالعباس بن عبدالمؤمن، مغربی،

12ــ هدی الغافلین الی الدین المبین،سید مهدی صالح کشوان قزوینی،این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت مهدی خلاصه شده و بسال 1335 از تالیف آن فراغت جسته،[کتابنامه حضرت مهدی(ع) آقای مهدی پور 2/778]

اکنون می گوییم: فرموده های پیامبر اکرم (ص) در رابطه با موضوع نخستین مطرح کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می گردد:بخش اول: ایراد حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر مسلمان بدون شناخت «امام زمان» زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود، و بطور کلی و قاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد.بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری را (با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و رخدادهای مربوطه به دوران امامتش) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود.بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور... که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرنخ گرفتن عقیده به او از یهود ونصاری خلاصه شده، فهرستوار می پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدهانفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می باشد.

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر از عالی ترین درجه اصالت اسلامی

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر یک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده اند، که ما در این مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، ومی گوییم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا(ص)، واینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی ترین درجه اعتبارحدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آنچنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود.اضافه برین بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرحش بنظر میرسد،همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت وقابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند و زمینه ای برای ایراد اباطیل مطرح شده وسیله پرفسور... نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی میباشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود.اکنون نخست می پردازیم بذکر فهرست اسامی صحابه ناقل احادیث مهدی موعود منتظر و از آن پس به فهرست اسامی معترفین به تواتر آن احادیث و صحت و قابل استناد بودن آنها:تذکر:نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب «مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما» ــ که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان «مهدی!» است [2] ــ سنی حنفی می باشد و معمولا با شیعه غیر مربوط بلکه طبعا ازتشیع دور و از پیروی امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) رویگردان و آن راباطل می داند ما هم در نگارش و تنظیم این مقاله کاری به کار شیعه و استفاده از منابع مربوط به آن نداشته،بلکه سراسر مقاله و صد در صد نقلیات حدیثی و تاریخی و اعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه و معتبر اهل تسنن است، با ارائه آدرس دقیق، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا یک مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم و بدور از دروغ و دروغبافی منابع اهل تسنن و نیز به احادیث متواتر و قطعی الصدور نبوی و مطرح شده در آن کتابها تن در دهد و سر تسلیم فرود آورد و از نوشته های خود (مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود و نصاری و نیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج) که غربال شده اباطیل مستشرقین یهودی و مسیحی است عذرخواهی کند، ودر راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ و آسیب وارده بر آن را ترمیم نماید،و یا جرأت بخرج دهد و صاف و صریح بگوید: هرچند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند.وگرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهنده مزخرفات آنها و جیره خوار بیگانگانِ دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم،اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و پی بردن به غرض ورزی و خیانت های دینی یا اشتباه کاری های این گونه نویسندگان، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم، تا سیه روی شود هر که درو غش باشد، وما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم.آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله «مهدی» اولین سرنخی که ارائه داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل وبی اساس وانمود کند، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی درحال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می برند و بر این اساس وانمود می کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است.در حالیکه بابررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق دینی و مذهبی جهان فراوان و در حدّ غیر قابل انکار است، ولی بهیچ عنوانی اشتراک عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و بیراهه روی مسلمانان نخواهد بود.از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی با بت پرستان مشترکند، اما در چگونگی و کمّ و کیف صفات سلبیّه و ایجابیّه الهی با هم اختلاف دارند.یهود ونصاری برای خدا قائل به فرزندند، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند.قران مجید درباره یهود ونصاری فرماید:(قالت الیهود عزیر ابن اللّه و قالت النصاری المسیح ابن اللّه) (توبه، آیه 30)یهود گویند عزیر پسر خداست ونصاری گویند مسیح پسر خداست.نیز قران فرماید:(قالت الیهود و النصاری نحن ابناء اللّه و...) (مائده، آیه 18)یهود و نصاری گفته اند ما پسران خداوند هستیم...نیز قران مجید فرماید:(و قالت الیهود یداللّه مغلولة غلّت ایدیهم ولعنوا بما قالوا) (مائده، آیه 64)یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند.و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی ـ که نشانگر ضعف خدا و محدویت قدرت و اخیتار اوست ـ ندارند.پس بطور خلاصه اگر اشتراک مسلمانان ــ مخصوصا شیعه ــ با یهود ونصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودنِ عقیده به مهدویت است، نیز اشتراک مسلمانان با یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت و ریشه داری عقاید توحیدی است، نستعیذ باللّه.آری اگر اشتراک در بعضی عقائد حقّه دینی بافرقه های باطل و بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقه باشد، پس در صورتیکه افرادی شیاد، فریبکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوای نبوت کردند و حتی هزاران نفر مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت.به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست، وبه قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائنانه یا جاهلانه ــ ازعناوین و شئون دینی و مقام نبوت، خلافت، امامت، آیات قرانی، احادیث نبوی و احکام مسلمه اسلام ــ تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده های مختلف و باز نستعیذ باللّه.در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید وشاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف، داعی به شک در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن [3] .نیز ناصرالدین آلبانی همین موضوع را با دیگر عبارت ردّو ایراد نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد [4] .در پایان این مقال می گوییم: وااسفا به حال یک مسلمان استادِ متخصص «تاریخ مذاهب اسلامی» که با عقائد اسلامی این چنین برخورد عامیانه یا مغرضانه و جسورانه نماید و دین و قلم خود را به باد مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

حدیث من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

یا مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامتیگانه مصلح جهانی امام مهدی منتظر(علیه السلام)یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر حق و واجد شرایط همه جانبه ــ علمی و عملی و اخلاق و تقوائی ــ از جمله امام مهدی منتظر، محمد بن الحسن العسکری بخصوص، حدیث شریف:«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» [5] .و احادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی تفاوتی یا سماجت و عصبیّت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با بت پرستان و مشرکین خواهد شد.و اکنون می پردازیم به ذکر متن های مختلف این حدیث و از آن پس به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل تسنّن.بخش اول:1 ـ من لم یعرف امام زمانه مات میتتة جاهلیة.2 ـ من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة.3 ـ من مات لیلة ولیس فی عنقه بیعة امام مات میتة جاهلیة.4 ـ من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة.5 ـ من مات ولا بیعة علیه مات میتة جاهلیة.6 ـ من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة.7 ـ من مات و لم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیّاً و ان شاء نصرانیّاً.8 ـ من مات ولم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة.9 ـ من مات ولیس علیه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة.10 ـ من مات ولیس علیه امام، فمیتته میتة جاهلیة.11 ـ من مات ولیس علیه امام مات میتة جاهلیة.12 ـ من مات و لیس (لیست) علیه طاعة مات میتة جاهلیة.13 ـ من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة.14 ـ من مات و لیس لامام جماعة علیه طاعة مات میتة جاهلیة.15 ـ من مات ولیس له امام فمیتته میتة جاهلیه.بخش دوم:1 ـ لیس احد یفارق الجماعة شبراً فیموت،الا مات میتة جاهلیة.2 ـ من خالف المسلمین قید شبر ثم مات، مات میتة جاهلیة.3 ـ من خرج عن الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة.4 ـ من خرج من الجماعة قید شبر، فقد خلع ربقة الاسلام من رأسه5 ـ من خرج من السلطان شبرا، مات میتة جاهلیة.6 ـ من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فمیتته جاهلیة.7 ـ من خرج من الطاعة و فارق الجماعة...فلیس منی ولست منه.8 ـ من خلعها بعد عهدها، لقی الله ولاحجة له.9 ـ من خلع یدًا من طاعة، لقی الله یوم القیامة لاحجة له.10 ـ من خلع یدا من طاعة مات میتة جاهلیة.11 ـ من فارق الجماعة او خلع یدا من طاعة، مات میتة جاهلیة.12 ـ من فارق الجماعة شبرا فمات، فمیتته جاهلیة.13 ـ من قتل تحت رأیة عمیة تدعوا عصبیة او ینصر عصبیة فقتله (قتلة) جاهلیة.14 ـ من مات تحت رایة عصبیة، فقتلته قتلة جاهلیة.15 ـ من مات علی غیر طاعة مات لا حجة له.16 ـ من مات و هو مفارق للجماعة، مات میتة جاهلیة.17 ـ من نزع یداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة.18 ـ من نزع یداً من طاعة، جاء یوم القیامة لاحجة له.اما متون تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل و راوی و ناقل هر یک از مجموع احادیث، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است، تنها به ذکر ناقلان از این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم.در پایان اینمقال کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علماو مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است [6] .واینک میپردازیم به ذکر قسمتی ازاسناد حدیث وراویان وناقلان ازاهل تسنن.1 ـ «مسند» ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته (204) از عبد الله بن عمر بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة، و من نزع یداً من طاعة جاء یوم القیامة لاحجة له» نیز رجوع شود به کنزالعمال.2 ـ «مصنف» یا «جامع کبیر در حدیث» حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته (211) چاپ مجلس علمی پاکستان، ج 11 ص 330 بشماره 19005 بلفظ: «من فارق الجماعة شبرافمات مات میتة جاهلیة».3 ـ «سنن» سعید بن منصور خراسانی در گذشته(227) از عامربن ربیعه صحابی بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» [7] به نقل کنزالعمال.4 ـ «مسند» حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری درگذشته (230) 2/850 شماره 2375 چاپ کویت، از عبد الله بن عامر از پدرش عامربن ربیعه، بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة، و من خلعها بعد عقدها ایاها لقی الله ولا حجة له.».5 ـ «طبقات الکبری» محمدبن سعد کاتب واقدی درگذشته (230) ج 5 ص 107 چاپ لیدن و ص 144 چاپ بیروت، ذیل شرح حال عبد الله بن مطیع بلفظ: «من مات و لابیعة علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از عبد الله بن عمر. نیز مراجعه شود به کنز العمال 1 / 103 شماره 463.6 ـ «مصنّف» حافظ ابن أبی شیبه، أبوبکر عبد الله بن محمد، درگذشته (234) ج 15 ص 24 شماره 19005 بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فمات مات میتة جاهلیة».وص 38 شماره 19047 از عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: «من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة، ومن خلعها بعد عقده ایاها فلاحجة له» و نیز بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة، مات میتة جاهلیة»وص 52 شماره 19090 بلفظ: «من ترک الطاعة و فارق الجماعة فمات، فمیتتة جاهلیة، ومن خرج تحت رایة عمیة یغضب لعصبیة او ینصرعصبة او یدعوا الی عصبة، فقتل فقتلته جاهلیة».نیزمراجعه شود به کنز العمال (6/65 شماره 14861).7 ـ «المعیار والموازنة» علامه متکلم ابوجعفر اسکافی درگذشته (240)ص24بلفظ: «من مات ولاامام له مات میتة جاهلیة» ازعبدالله بن عامر8 ـ «نقض العثمانیة» نیز از اسکافی ص 11 ـ 12 وبه نقل ابن ابی الحدید 13 / 242 بلفظ فوق.9 ـ «مسند» احمد بن حنبل درگذشته (241) ج 2 ص 83 و 154 بلفظ: «من مات و هو مفارق للجماعة مات میتة جاهلیة» و ص 111 بلفظ: «من مات و قد نزع یده من بیعة کانت میتته میتة ضلال» از ابن عمر، و ص296 بلفظ: «من خرج من طاعة و فارق الجماعة مات میتة جاهلیة» از ابوهریره.و ج 3 ص 446 بخش مسند عامر بن ربیعه بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» به روایت از نامبردهوج 4 ص 96 بلفظ: «من مات بغیرامام مات میتة جاهلیة» ازمعاویة بن ابی سفیان.10ـ «الاموال» حمید بن زنجویه در گذشته (251) ج 1 ص 81 بشماره 40 چاپ ریاض از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فمیتتة جاهلیة»وص 82 بشماره 42 بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میته جاهلیة، و ان خلعها بعد عقدها فی عنقه لقی الله و لیست له حجة» از عبدالله بن عامر بن ربیعه از پدرش وشماره 43 از ابن عمر (در حالیکه روی سخنش به ابن مطیع ـ والی مدینه از طرف عبد الله بن زبیر بهنگام قتل عام مردم آن بدست بسر بن ارتاط از جانب یزید ـ بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود): «من مات علی غیر طاعة مات لاحجة له ومن مات قد نزع یدا من بیعة کان علی الضلال»وناگفته پیداست که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات میخواست از این حدیث به نفع یزید (که مردم مدینه و از جمله بعضی از صحابه رسول الله (ص) او را از خلافت خلع کرده بودند) سوء استفاده کند، فحشره الله مع یزید بن معاویه و جده و ابیه.11 ـ «سنن» امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی در گذشته (255) ج 2 ص 241 بلفظ: «لیس من احد یفارق الجماعة شبرا فیموت، الا مات میتة جاهلیة» از ابن عباس.12 ـ «صحیح» محمد بن اسماعیل بخاری درگذشته (256)ج 2 ص 13 و درچاپ دیگر مصر ج 9 ص 59 باب فتن از ابن عباس بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة» و بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فمات (الامات خ) میتة جاهلیة».13 ـ نیز «تاریخ الکبری» بخاری 6 / 445 شماره 2943 از عامر بن ربیعه از پدرش بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» و در ج 4 ص 54 شماره 1938 بلفظ: «من فارق الجماعة قید شبر فقد فارق الاسلام».14 ـ «صحیح» مسلم در گذشته (261) ج 6 ص 21 ـ 22 شماره 1489 بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از عبد اللّه بن عمر و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة» ونیز «من فارق الجماعة شبرا فمات فمیتته جاهلیة».ودر ج 8 ص 107 بلفظ: «من لم یعرف امام زمانه فمات میتة جاهلیة» (ملحقات الاحقاق 13 / 85)15 ـ «العلل الوارده فی الاحادیث» ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی دارقطنی شافعی (305 / 306) ج 7 ص 63 بلفظ: «من مات لغیر امام مات میتة جاهلیة» به سه سند از معاویه و دو سند از ابوهریره.16 ـ «زوائد» احمد بن عمر بزار در گذشته (320) ج 1 ص 144 و ج 2 ص 143 بلفظ: «من مات و لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة، و من مات تحت رایة عصبیة، فقتلته قتلة جاهلیة».17 ـ «الکنی والاسماء» حافظ دولابی درگذشته (320) ج2 ص3 چاپ دائرة المعارف حیدرآباد دکن بلفظ: «من مات و لیس علیه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة، و من خرج من الجماعة فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه» از ابن عمر.18 ـ «عقد الفرید» ابوعمر، احمد بن محمدبن عبدربه اندلسی درگذشته (327) ج 1 ص 9 سطر12 بلفظ: «من فارق الجماعة او خلع یدامن طاعة، مات میتة جاهلیة».19 ـ «صحیح ابن حبان»، ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی، بستی شافعی درگذشته (354) به شرح «احسان بترتیب صحیح ابن حبان» شماره 44 بلفظ: «من مات ولیس له امام مات میتة جاهلیة».20 ـ «کتاب المجروحین» نیز از ابوحاتم ج1 ص 280 بلفظ: «من فارق جماعة المسلمین قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه،و من مات و لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة،و من مات تحت رایة عمیة یدعوا الی عصبیة او ینصر فقتله جاهلیة» به روایت ازابن عباس21 ـ «معجم الکبیر» حافظ ابوالقاسم طبرانی درگذشته (360) ج 10 ص 350 حدیث 10687 (شماره مسلسل) بلفظ: «من فارق جماعة المسلمین قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه و من مات ولیس علیه امام فمیتته جاهلیة ومن مات تحت رأیة عمیه یدعوا الی عصبیة او ینصر عصبیة فقتله جاهلیة» به روایت از ابن عباس.وج 19 ص 388 شماره 910 چاپ بغداد بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة» به روایت معاویه، و به لفظ «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» از عامر بن ربیعه (نیز رجوع شود به کنزالعمال ج6 ص 65 شماره 14861).22 ـ «معجم اوسط» نیزازطبرانی ج 1 ص 175 شماره 227 بلفظ: «من مات و لابیعة علیه مات میتة جاهلیة» وبادیگرالفاظ مختلف ذیل کتاب «مجمع الزوائد» بیاید.23 ـ «الکامل فی ضعفاء الرجال» ابواحمد عبد الله بن محمد، معروف به ابن عدی جرجانی در گذشته (365) ج 5 ص 1869 بلفظ: «من مات ولیس علیه طاعة، مات میتة جاهلیة» به روایت عامربن ربیعه.24 ـ «مستدرک الصحیحین» حاکم نیشابوری در گذشته (405) ج 1 ص 77 و 117 ازابن عمر بلفظ: «من مات ولیس علیه امام جماعة فان موتته موتة جاهلیة».25 ـ «المغنی» قاضی القضاة معتزلی، عبد الجبار بن احمد همدانی اسدآبادی درگذشته (415) جزء متمم عشرین ج 1 ص 116 بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».26 ـ «ندیم الفرید» علامه محقق ابوعلی، احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه ـ که اصلش ازری و مقیم ودرگذشته اصفهان بسال (421) بوده است بلفظ: «من مات لیلة ولیس فی عنقه بیعة امام فقد مات میتة جاهلیة». [8] .27 ـ«حلیة الاولیاء» حافظ ابونعیم اصفهانی درگذشته (430) ج 3 ص 224 بلفظ: «من مات بغیر امام فقد مات میتة جاهلیة ومن نزع یده من طاعة (یدا من طاعة الله) جاء یوم القیامة لاحجة له» به روایت از طیالسی.واضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلّم بوده، مسلم درحدیث خود آنرا از زید روایت نموده وگفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند.سپس هشت نفرازتابعین رانام برده که این حدیث راروایت نموده اند.28 ـ «المنتقی فی الاخبار» مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی درگذشته (437) به شرحی که در «نیل الاوطار فی شرح منتقی الاخبار» تحت شماره 66 بیاید29 ـ «سنن بیهقی» درگذشته (458) ج 8 ص 156 ـ 157 بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة»و بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» و نقل از بخاری ومسلم.30 ـ «شعب الایمان» نیزازبیهقی، به شرح مختصرآن که تحت شماره 45 بیاید.31 ـ «المتفق و المفترق» ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی درگذشته (463) بلفظ: «من نزع یدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة، ومن خلعها بعد عهدها لقی الله ولا حجة له» از ابن عمر (کنزالعمال 6/66 شماره 14865)32 ـ «جمع بین صحیحین ـ بخاری ومسلم ـ» محمد بن فتوح حمیدی درگذشته (488) بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»(به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج 2 ص 306 بواسطه کنزالعمال (1/186 چاپ حیدر آباد) آنرانقل نموده، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده)33 ـ «شرح المبسوط فی الفقه» شمس الدین سرخسی (درگذشته 490).34 ـ «شرح السیر الکبیر شیبانی» نیز از سرخسی ج 1 ص 113 چاپ حیدرآباد 6ـ 1335.نیز ج 1 ص 167 چاپ 1971 م قاهره بلفظ: «من اتاه من امیره ما یکرهه فلیصبر، فانّ من خالف المسلمین قید شبر، ثم مات، مات میتة جاهلیة»35 ـ «ربیع الابرار» محمود بن عمر زمخشری درگذشته (538) ج 4 ص 221 باب الملک و السطان بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه لامام المسلمین بیعة فمیتته میتة جاهلیة»36 ـ «ملل و نحل» محمد بن عبد الکریم شهرستانی شافعی درگذشته (548) ج 1 چاپ قاهره ص 172 ذیل «الاسماعیلیه» بلفظ: «ان من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» ونیز: «من مات و لم یکن فی عنقه بیعة امام، مات میتة جاهلیة»37 ـ «مصباح المضیئ فی خلافة المستضیئ» ابوالفرج، عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی در گذشته (597) ج 1 ص 140 ـ 147 چاپ اوقاف عراق بسال 1397 شامل احادیث کلیات خلافت از جمله حدیث: «من فارق الجماعة شبرًا فمات، فمیتته جاهلیة».38 ـ «جامع الاصول» ابن اثیر جزری درگذشته (606) ج 4 ص 456 بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة» از ابن عباس از طریق بخاری و مسلموبلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة، و من قتل تحت رایة عمیة یغضب لعصبیة او یدعوا الی عصبیة فقتل، فقتلته جاهلیة» به روایت از ابوهریره، از طریق مسلم ونسائی.39 ـ «مسائل الخمسون» محمد بن فخر رازی در گذشته (606) مسئله 47 ص 384 چاپ ـ ضمیمه مجموعه رسائل ـ مصر مطبعه علمی کردستان سال 1328 بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا» (کتاب «پیرامون معرفت امام» از علامه فقیه صافی گلپایگانی ص 8)40 ـ «المغنی فی شرح الخرقی» ابن قدامه، عبدالله بن احمد مقدسی جماعیلی دمشقی حنبلی درگذشته (620) ج 10 ص 46 چاپ بیروت، تحت عنوان «قتال اهل البغی» به روایت انس وبلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، فمیتته جاهلیة»41 ـ «فتح العزیز علی کتاب الوجیز» ابوالقاسم، عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی درگذشته (623) به تفصیلی که در تلخیص الحبیر شماره 56 بیاید.42 ـ «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید معتزلی درگذشته (656) ج 9 ص 155 بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة» بااضافه جمله «واصحاب ما همه قائل به صحت ودرستی این قضیه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت.وج 13 ص 242 بلفظ: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» به نقل عبدالله بن عمر، واضافه میکند: وی شبانه به در خانه حجاج (ابن یوسف ثقفی) رفت تابرخلافت عبدالملک مروان باوی که ازطرف اوحاکم عراق بود، بیعت کند، به این دلیل که پیامبر فرموده: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» ولی روش تحقیرآمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: (جهت بیعت) دست خود را به پای من متصل کن. واینچنین بجای مراسم بیعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود.43 ـ«شرح صحیح مسلم» حافظ نووی درگذشته (676) ج 12 ص 24044 ـ «ریاض الصالحین» نیز از نووی ج 1 ص 437 شماره 662 و در چاپ دمشق ص 284 ـ285 شماره 663 بلفظ: «من خلع یدًا من طاعة لقی اللّه یوم القیامة ولا حجة له، و من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» رواه مسلم.وفی روایه له: «من مات وهومفارق للجماعة فانّه یموت میتة جاهلیة»وبه شماره 670 بدین عبارت آمده: «من کره من امیره شیئا فلیصبر، فانّه من خرج من السطان شبرا مات میتة جاهلیة» متفق علیه.45 ـ «مختصرشعب الایمان ـ بیهقی ـ» از ابوجعفر عمر قزوینی درگذشته (699) ص 106 چاپ مصر بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة» به روایت از ابوهریره ونقل از مسلم.46 ـ «الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان» امیر علاء الدین، علی بن بلبان فارسی حنفی درگذشته (739) ج 7 ص 49 چاپ بیروت، بلفظ: «من مات ولیس له امام مات میتة جاهلیة» از طریق ابویعلی به روایت از معاویه.47 ـ «تلخیص المستدرک» حافظ ذهبی درگذشته (748) ج 1 ص 77 و 117 نقل واقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده.48 ـ «تفسیر» ابن کثیر دمشقی درگذشته (774) ج 1 ص 517 بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة».49 ـ نیز «تاریخ ابن کثیر» ج 7 ص 232 بدین شرح که چون مردم ـ بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند عبد الله بن عمر فرزندان واهلبیت خود را جمع نمود و پس از تشهد گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد (یزید بن معاویه) بیعت کردیم وشنیدیم رسول خدا میگفت: «من نزع یدًا من طاعة، فانه یأتی یوم القیامة لاحجة له، و من مات مفارق الجماعة فانه یموت موتة جاهلیة»پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید ومبادا در این باره اسراف و تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد.50 ـ «شرح المقاصد» سعدالدین تفتازانی (792) ج2 ص275 بلفظ: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» واضافه کرده است این حدیث همانند: (اطیعوا اللّه واطیعوا الرّسول و أولی الأمر منکم)میباشد.51 ـ «شرح ـ عقائد نسفی ـ» نیز از محقق تفتازانی چاپ 1302، لکن چاپ 1313 که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط گردیده فاقد این حدیث میباشد. (الغدیر 10 / 360)52 ـ «مجمع الزوائد» نور الدین هیثمی درگذشته (807) ج 5 ص 218 بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة» به روایت از معاویه وبلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة»و ص 219 بلفظ: «و من خرج من الجماعة قید شبر متعمدا فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه و من مات و لیس لامام جماعة علیه طاعة مات میتة جاهلیة» از معاذ بن جبل به روایت طبرانی وبلفظ: «... من أصبح لیس لأمیر جماعة علیه طاعة بعثه اللّه یوم القیامة من میتة جاهلیة» از ابودرداء از طریق طبرانی.و ص 223 بلفظ: «من مات و لیس علیه طاعة مات میتة جاهلیة» به نقل از عامربن ربیعه وطریق احمد بن حنبل، ابویعلی، بزار و طبرانیو ص 224 بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، فمیتته جاهلیة» به روایت از ابن عباس و طریق بزار و طبرانی در معجم اوسط.و ص 225 بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، مات میتة جاهلیة» به روایت از معاویه بن ابی سفیان از طریق طبرانی در معجم اوسط.53 ـ «کشف الاستار عن زوائد البزار علی الکتب الستة» نیز از هیثمی ج 2 ص 252 حدیث 1635 چاپ مؤسسه رسالت، بلفظ: «من فارق الجماعة قیاس (او قید) شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه، و من مات و لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة، و من مات تحت رأیة عصبیة او ینصر عصبیة فقتلته قتلة جاهلیة».54 ـ «فتح الباری شرح صحیح بخاری» احمد بن محمد بن حجر عسقلانی درگذشته (852) ج 16 ص 112 بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر.55 ـ «مطالب العالیة» نیز از ابن حجر عسقلانی ج2ص 228 تحت شماره 2088 بلفظ: «من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة»56 ـ «تلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر» نیز از ابن حجر عسقلانی ج 4 ص 41 بلفظ: «من خرج عن الجماعة قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام...» به روایت از ابن عمر.وص 42 بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمیتته جاهلیة» به روایت ازابوهریره (فهارس کتاب فوق ص 289، چ دارالمعرفه بیروت)57 ـ «جمع الجوامع» یا «جامع الاحادیث» عبدالرحمن سیوطی درگذشته (911) بشرح مندرج در کنز العمال.58 ـ «تیسیر الاصول» ابن دبیع شیبانی درگذشته (944) ج3 ص 39 به روایت از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» از طریق دو صحیح بخاری ومسلم.59 ـ «کنزالعمال» حسام الدین متقی هندی درگذشته (975) ج1 ص 103 شماره 463 چاپ حلب بلفظ: «من مات و لا بیعة علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر به نقل از مسند احمد وابن سعد.وشماره 464 بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة» به روایت معاویه واز طریق احمد حنبل وطبرانی.وص 207 شماره 1035 بلفظ: «من خرج من الجماعة قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه حتی یراجعه، و من مات و لیس علیه امام جماعة فان موتته موتة جاهلیة» از ابن عمر واز طریق مستدرک حاکم.وشماره 1037 بلفظ: «من فارق المسلمین قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه، و من مات لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة، ومن مات تحت رایة عُمَیة یدعوا الی عصبیة او ینصر عصبیة فقتله جاهلیة» از طریق طبرانی (در معجم کبیر) به روایت ابن عباسوص 208 شماره 1038 بلفظ: «من فارق جماعة المسلمین شبرا، أخرج من عنقه ربقة الاسلام... و من مات من غیر امام جماعة مات میتة جاهلیة» به روایت ابن عمر از طریق حاکم در مستدرک.وص 379 شماره 1649 بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربقة الاسلام من عنقه» از علی به روایت از بیهقیوج 6 ص 52 شماره 14809 بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة...» به روایت از ابوهریره از طریق احمد، نسائی ومسلم.وشماره 14810 بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر از طریق مسلم.وص 65 شماره 14861 بلفظ: «و من مات و لیست علیه طاعة،مات میتة جاهلیة» به روایت از عامربن ربیعه از طریق ابن ابی شیبه (در مصنف) و احمد حنبل (در مسند) و طبرانی (در معجم کبیر) وسعید بن منصور (درسنن) وشماره 14863 بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة، و من نزع یدا من طاعة جاء یوم القیامة لاحجة له». به روایت از عبدالله بن عمر و نقل از «معجم کبیر» طبرانی و«حلیه الاولیاء» ابونعیم.وص 66 شماره 14865 بلفظ: «من نزع یدا من طاعة اللّه و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة، و من خلعها بعد عهدها لقی الله و لا حجة له» به روایت ابن عمر از طریق خطیب بغدادی در «المتفق والمفترق».60 ـ «جواهرالمضیئه» ملاعلی قاری حنفی درگذشته (1014) درخاتمه کتاب ج 2 ص 509 بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» و در ص 457 گوید: وفرموده او (پیامبر) ص در صحیح مسلم «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» معنایش این است که: هر کس نشناسد آن کس را(که اقتدا به او و رهنمون شدن بدو ـ در زمانی که دست اندر کار امامت و رهبری است ـ واجب باشد) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود.61 ـ «مجمع الفوائد» محمد بن سلیمان مغربی درگذشته (1094 درشام) ج 2 ص 259 چاپ بیروت شماره 6048، بلفظ: «من مات بغیر امام، مات میتة جاهلیة» ودر روایت دیگر تحت شماره 6049 بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از معاویه بن ابی سفیان.62 ـ «بریقة المحمودیه» شیخ ابوسعید خادمی حنفی درگذشته (1168) ج 1 ص 116 چاپ مصطفی حلبی قاهره، بلفظ: «من مات ولم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة» (ملحقات احقاق الحق ج 19 پاورقی ص 651)63 ـ «ازالة الخفاء فی مناقب الخلفاء» شاه ولی الله دهلوی درگذشته (1176) ج 1 ص 3 بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» آنرا ذکر نموده و برای اثبات وجوب کفائی نصب خلیفه بر مسلمین تا روز قیامت، بدان استدلال کرده است.64 ـ «ازالة الغین» علامه فقیه مولی حیدر علی بن محمد فیض آبادی هندی درگذشته (1205) دربحث از بی اعتباری بعضی از احادیث بخاری،چاپ دهلی 1295 بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (المدخل حدیث غدیر از عبقات ص61)65 ـ «فواتح الرحموت» ـ شرح «مسلم الثبوت» شیخ محب الله بهاری هندی حنفی درگذشته (1119) ـ از عبد العلی محمد بن نظام الدین محمد انصاری هندی درگذشته (1225) ج 2 ص 223 ـ 224 چاپ لکهنو 1878م بلفظ: «لم یفارق الجماعة احد و مات الا مات میتة جاهلیة» به روایت از بخاری و نیز در چاپ بولاق در حاشیه مستصفی غزالی ج 2 ص 224.66 ـ «نیل الاوطارـ بشرح «المنتقی فی الاخبار» ـ» قاضی محمدبن علی شو کانی یمنی درگذشته (1255) ج 7 ص 356 چاپ بیروت 1973 بلفظ: «من رای من أمیره شیئا یکرهه فلیصبر، فانه من فارق الجماعة شبرا فمات، فمیتته جاهلیة» از ابن عباس.و بلفظ: «من کره من أمیره شیئا فلیصبر علیه، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبرا فمات علیه الا مات میتة جاهلیة» از ابن عباس.و بلفظ: «و من خلع یدا من طاعة لقی الله ولا حجة له، ومن مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از ابن عمر به نقل از مسلم.وص 357 بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فکانما خلع ربقة الاسلام من عنقه» به روایت از حرث بن حرث اشعری و نقل از ترمذی و ابن خزیمه و ابن حبان و روایت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانی در اوسط.67 ـ «ینابیع الموده» علامه شیخ سلیمان بلخی قندوزی درگذشته (1294) باب 39 ص 137 چاپ حیدریه نجف و ص 117 چاپ اسلامبول بلفظ: «و فی المناقب بالسند عن عیسی بن السری قال: قلت لجعفربن محمد الصادق (ع) حدثنی عما ثبت علیه دعائم الاسلام، اذا أخذتُ بها زکّا عملی و لم یضرنی جهل ما جهلت.قال: شهادة أن لا اله الاّ اللّه وأن َ محمدا رسول اللّه، والاقرار بما جاء به من عند اللّه، وحق فی الأموال من الزکاة والاقرار بالولایة التی أمراللّه بها ولایة آل محمد(ص)، قال رسول اللّه (ص): «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة. قال اللّه عزوجل: أطیعوا اللّه وأطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم.فکان علیّ صلوات اللّه علیه ثم صار من بعده حسن ثم حسین ثم من بعده علی بن الحسین ثم من بعده محمد بن علی و هکذا یکون الأمر، ان الأرض لاتصلح الا بالامام، ومن مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».68ـ «صیانة الانسان عن وسوسة الشیخ دحلان» در دفاع از عقائد وهابی حجاز، تألیف محمد بن بشیر سهسوانی هندی وهابی درگذشته (1326) چاپ مصر ص 149 بلفظ: «لیس أحد یفارق الجماعة شبرا فیموت الامات میتة جاهلیة» از ابن عباسو بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة» از ابوهریره به نقل از مسلم.وص 307 تا 315 با الفاظ مختلف واسناد متعدد و ذکر مصادر، حدیث موضوع بحث را نقل وبدان استدلال کرده استودرپایان باب مکمل مئه (صدم) ص 625 به نقل از شیخ بهاء الدین عاملی در «اربعین» بعنوان حدیث متّفق علیه بین عامه وخاصه، وبلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» ونیز به نقل از ملل ونحل شهرستانی.69 ـ «تاریخ آل محمد» علامه قاضی بهلول بهجت افندی، از اهالی قفقاز (آذربایجان شوروی) وساکن زنگنه زور ترکیه درگذشته (1350) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده ودر آخر آن بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة» و بعنوان متفق علیه علمای خاصه وعامه این حدیث راذکرکرده است.70 ـ «الامام جعفر الصادق» علامه محقق مستشار عبد الحلیم جندی مصری معاصر، چاپ مجلس اعلی شئون اسلامی جمهوری مصر قاهره 1397 در پاورقی ص 174 بلفظ: «من مات ولیس له امام، فمیتته جاهلیة» بطور ارسال مسلم

اسامی راویان حدیث من مات و لم یعرف... و احادیث مشابه

توضیح این مطلب لازم است که مجموع راویان احادیث بخش اول (یعنی حدیث «من مات ولم یعرف...») عبارت از هفت نفر از صحابه پیامبر اکرم (ص) و راویان مورد قبول اهل تسنن بوده اند که بنوشته ذهبی در «الکاشف» صاحبان صحاح سته همه از یک یک این هفت نفر بطور فراوان نقل روایت کرده اند وعملا صدق گفتار وصحت روایات آنها را تایید واعلام نموده اند واسامی آنها بدین قرار است:1 ـ زید بن ارقم درگذشته (68) الکاشف 1 / 336 شماره 17382 ـ عامربن ربیعه عنزی درگذشته (کمی قبل ازعثمان) الکاشف 2 / 54 شماره 25493 ـ عبد الله بن عباس درگذشته (68) الکاشف 2 / 100 شماره 28294 ـ عبدالله بن عمربن خطاب درگذشته (74) الکاشف 2/112 شماره 29015 ـ عویمر بن مالک معروف به ابوالدّرداء درگذشته (32) الکاشف 2/358 شماره 43886 ـ معاذ بن جبل درگذشته (18) الکاشف 3 / 153 شماره 55117 ـ معاویه بن ابی سفیان درگذشته (60) الکاشف 3 / 157 شماره 5617واما راویان احادیث بخش 2 (که مُصدّر به «من خرج» و «من فارق» و «من خلع» و امثال این کلمات است) عبارتند از نامبردگان فوق به اضافه:1 ـ ابوهریره دوسی درگذشته (57 / 59)2 ـ انس بن مالک درگذشته (93) که بنوشته ذهبی در «الکاشف» ـ 3 / 385 تحت شماره 433 بخش کنی و 1 / 140 بشماره 483 ـ این دو نیز در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنهانقل حدیث شده است.اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام ــ از جمله امام مهدی موعود ــ بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام ــ از جمله امام مهدی موعود ــ بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر در منابع اهل تسنن

1 ــ امام امیرالمؤمنین علی بن أبی طالبسنن أبی داود 4/51

2 ــ أبوإمامه باهلی، صعد بن عجلانالبیان گنجی ص95

3 ــ أبوأیوب أنصاری معجم صغیرطبرانی1/137

4 ــ أبوسعید خدری سنن أبی داود ج 4 ص 107 حدیث شماره 4385

5 ــ أبوسلمی راعی (چوپان شترهای) رسول خدا (ص)مقتل الحسین خوارزمی ص95 و بنقل ینابیع المودة 3/160، فرائد السمطین2/319 حدیث شماره571وعموم کتب شامل أحادیث مهدی

6 ــ أبوالطفیل عامر بن واثلهمسند أحمد بن حنبل 1/99

7 ــ أبولیلی مناقب خوارزمی، فصل پنجم ص 23ـ24

8 ــ أبووائل عقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص 23 و 38

9 ــ أبوهریره صحیح بخاری 2/178 و عموم کتب شامل أحادیث مهدی

10 ــ أنس بن مالک سنن إبن ماجه 2/519

11 ــ تمیم داری عرائس ثعلبی ص 186 و بنقل عقد الدرر ص 219

12 ــ ثوبان مولی (غلام آزاد شده) رسول اللّه(ص)سنن إبن ماجه 2/519

13ــ جابر بن سمره البرهان متّقی هندی، ذیل تنبیهات، تنبیه اوّل

14 ــ جابر بن عبداللّه أنصاری مسند أحمد حنبل 3/384

15 ــ جابر بن عبداللّه صدفی استیعاب قرطبی 2/111 چاپ ذیل إصابه إبن حجر و معجم کبیر طبرانی 22/937

16 ــ امام حسن بن علی ینابیع المودة قندوزی ص589

17 ــ امام حسین بن علی البرهان متّقی هندی باب دوّم حدیث 17 و 18

18 ــ سلمان فارسی مقتل الحسین خوارزمی 1/146

19 ــ طلحة بن عبیداللّه البرهان متّقی هندی و المهدی المنتظر إبن صدیق ص12

20 ــ عباس بن عبدالمطلب المهدی المنتظر إبن صدیق ص12

21 ــ عبدالرحمن بن عوف البیان گنجی شافعی ص96

22 ــ عبداللّه بن حرث (حارث) بن جزء زبیدیسنن إبن ماجه 2/519 و در چاپ دیگر 2/270

23 ــ عبداللّه بن عباس فصول المهمّه إبن صبّاغ مالکی ص278

24 ــ عبداللّه بن عمر بن خطاب فصول المهمّه ص 277 و البرهان باب 1 حدیث 2 وباب 6 حدیث 6

25 ــ عبداللّه بن عمرو بن عاص البیان گنجی ص92

26 ــ عبداللّه بن مسعود فصول المهمة إبن صبّاغ ص279

27 ــ عثمان بن أبی العاص مسند أحمد حنبل 4/216ــ217

28 ــ عثمان بن عفّان المهدی المنتظر صدیق مغربی ص12، و در مقاله فتوائی ــ اداره مجمع فقهی سعودی در مکّه ــ مندرج در آخر البیان گنجی ص77 چاپ بیروت

29 ــ علقمة بن عبداللّه سنن إبن ماجه [بنقل المهدی فی السنة شیرازی ص42] و فصول المهمة إبن صبّاغ مالکی

30 ــ علیّ الهلالی مجمع الزوائد هیثمی 9/165

31 ــ عمار بن یاسرالبرهان باب اول حدیث 10 و باب 4 فصل 2 حدیث شماره 7 و 24

32 ــ عمر بن خطاب البرهان باب اول حدیث 38

33 ــ عمران بن حصین مسند أحمد بن حنبل 4/437

34 ــ عمرو بن عاص البرهان باب چهارم فصل 2 حدیث 23

35 ــ عمرو بن مره جهنی إبراز الوهم المکنون أبوالفیض غماری و عرف الوردی ص139 و 390 و المهدی المنتظر إبن صدیق ادریسی ص13

36 ــ عوف بن مالک معجم کبیر طبرانی

37 ــ قتادة بن نعمان البرهان باب اول حدیث 17 و باب ششم حدیث 10 و 11

38 ــ قرة بن ایاس المزنی ینابیع المودة ص 220

39 ــ کعب الأحبارعقد الدرر جمال الدین دمشقی ص 180 و 233ــ234 بنقل از فتن نعیم بن حماد

40 ــ کعب بن علقمه البرهان باب هفتم حدیث 8ــ13ــ21

41 ــ معاذ بن جبل إبراز الوهم المکنون أحمد بن محمد بن صدیق ص8

42 ــ فاطمة الزهراء بنت رسول اللّه(ص)فرائد السمطین حموینی

43 ــ أم المؤمنین أم سلمه سنن أبی داود 4/151

44 ــ أم المؤمنین عایشه کتاب الفتن نعیم بن حماد بنقل عقد الدرر ص 16ــ17 و البرهان باب دوم حدیث 21

45 ــ أم حبیبه البرهان باب چهارم فصل 2 حدیث 20

معترفین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر

1 ــ أبوالحسن، محمدبن حسین آبری سجستانی (درگذشته 363 هـ)از أعلام محدّثین مورد قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل تسنن، در کتاب «مناقب الشافعی» ــ ذیل نام محمد بن خالد جندی، راوی حدیث جعلی «لا مهدیّ إلاّ عیسی بن مریم» ــ بشرح مندرج در مصادر ذیل [9] اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی نموده است.2 ــ حافظ محمد یوسف گنجی شافعی (658)در «البیان فی اخبار صاحب الزمان(ع)» آخر باب یازدهم.3 ــ شمس الدین محمد بن أحمد قرطبی (671)در «التذکرة فی أحوال الموتی و أمور الآخرة» ص701.4 ــ حافظ جمال الدین مزّی (742)در «تهذیب الکمال» 5/146ــ149 شماره 5181.5 ــ إبن قیم جوزیّه حنبلی (751)در «منار المنیف» ص 142.6 ــ إبن حجر عسقلانی (852)در «تهذیب التهذیب» 9/125 ذیل شرح حال محمد بن خالد جندی و احتجاج بکلام ابری در رد جندی، نیز ــ بنقل «ابراز الوهم المکنون» ص423 ــ در «فتح الباری (شرح صحیح مسلم)».7 ــ شمس الدین سخاوی (902)در «فتح المغیث» بنقل از آبری [«نظم المتناثر» کتانی ص226; «إبراز الوهم المکنون» غماری ص436 و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص232].8 ــ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (911)در «مصباح الزجاجة» [بنقل بلبیسی در «العطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص45].و در «فوائد المتکاثرة فی الأحادیث المتواترة» و مختصر آن «الازهار المتناثرة» [بنقل «إبراز الوهم المکنون» ص434 و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/434; و در «عرف الوردی» مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج 1 ذیل ص396].9 ــ إبن حجر هیثمی (974)در «صواعق المحرقة» ص99 و در چاپ دیگر ص167.10 ــ شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (1033)در «فرائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر» [بنقل «لوائح الأنوار البهیة» سفارینی ج 2 و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/23 و «الإذاعة» محمد صدیق قنوجی ص147].11 ــ أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی (1092)در «منهج المقاصد ــ شرح «مراصد المعتمد» شیخ محمد عربی فاسی ــ» بنقل از سخاوی [«المهدی المنتظر» عبداللّه بن محمد صدیق حسنی ادریسی ص10].12 ــ محمد بن عبد الرسول بررنجی (1103)در «الإشاعة لأشراط الساعة» ص87.13 ــ محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی (1122)در «شرح المواهب اللدنیه» [بنقل «إبراز الوهم المکنون» صدیق مغربی ص434 و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص230].14 ــ شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی (1182)در شرح کتاب «الرسالة» عبداللّه بن عبدالرحمن شیروانی [کتانی در «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» ص226 و احتجاج به کلام جسوس; و «المهدی المنتظر» إبن صدیق غماری ص9].15 ــ أبوالعلاء ادریس بن محمد ادریس حسینی عراقی فاسی (1183)در کتابی که در باره امام المهدی نوشته [بنقل «نظم المتناثر» ص226; و «المهدی المنتظر» إبن صدیق غماری ص8].16 ــ شیخ محمد بن أحمد سفارینی حنبلی (1188)در «لوائح الأنوار البهیة» مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/20.17 ــ شیخ محمد بن علی صبّان (1206)در «اِسعاف الراغبین» ص145، 147 و 152.18 ــ قاضی محمد بن علی شوکانی (1250)در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی مهدی المنتظر و الدجال و المسیح»[کتانی در «نظم المتناثر» ص225ــ228; محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة لما کان و ما یکون بین یدی الساعة» ص160; شیخ محمد خضر حسین مصری در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ دمشق و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/212; أحمد أمین مصری در «المهدی و المهدویة» ص110 چاپ مصر; شیخ عبدالمحسن عباد حجازی در مقاله «عقیدة اهل السنّة و الاثر» چاپ مدینه و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/403; شیخ تویجری در «الاحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر» ص42.«تحفة الاحوذی» مبارکپوری ص484 باب «ما جاء فی المهدی» در شرح حدیث 2331].19 ــ مؤمن بن حسن شبلنجی (1291)در «نور الأبصار» ص189.20 ــ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (1294)در «ینابیع المودة» باب 85 ص563.21 ــ أحمد بن زینی دحلان مفتی شافعیه (1304)در «فتوحات الاسلامیه» 2/211 بنقل از «اشاعة» برزنجی.22 ــ سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (1307)در «الاذاعة لما کان و ما یکون بین یدی الساعة» ص112.23 ــ محمد بلبیسی بن محمد بن أحمد حسینی شافعی مصری (1308)در «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص44 بنقل از «شرح ورد السحر» شیخش أبوعبدالسلام شبراوی و ص45 بنقل از «مناقب الشافعی» أبوالحسن آبری درگذشته 363 و از «مصباح الزجاجة» سیوطی.24 ــ أبوعبداللّه محمد بن جعفر کتانی مالکی (1345)در «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» ص225ــ228 شماره289.ــ توضیحاً اسامی هشت نفر از معترفین به تواتر احادیث ویژه مهدی منتظر را با مصدر نقل ذکر کرده بدین شرح:سخاوی، آبری، عراقی، شیخ جسوس، زرقانی، مؤلف «مغانی الوفاء بمعانی الاکتفاء»، سفارینی، شوکانی.25 ــ مبارکپوری (1353)در «تحفة الاحوذی» ص484 باب «ما جاء فی المهدی» در راستای شرح حدیث 2231.26 ــ شیخ محمد خضر حسین مصری (1377)در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ ضمن «مجلة التمدن الاسلامی» دمشق 1370هـ 1950م ص829، و بنقل از شوکانی بطوریکه تلقی به قبول نموده و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/212 میباشد.27 ــ ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری حسینی ازهری شافعی مغربی (1380)در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، أو المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی» ص433ــ436 و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/227ــ382.28 ــ شیخ ناصرالدین آلبانی (معاصر)در مقاله «حول المهدی» نشریه «مجلة التمدن الاسلامی» دمشق سال22 ذیقعده 1371هـ، ص 642ــ646 و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/391.29 ــ شیخ صفاءالدین آل شیخ الحلقه عراقیدر «مجلة التربیة الاسلامیة» شماره7 ص30 سال14 [«المهدی المنتظر بین التصور و التصدیق» شیخ محمد حسن آل یس ص29; نیز «المهدی المنتظر» ص29].30 ــ شیخ عبدالمحسن بن حمد عبادعضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه، در مقاله «عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر» نشریه «مجلة جامعة الاسلامیه» مدینه سال اول شماره 3 ذیقعده 1388 بخش چهارم مقاله ص643 و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص402ــ404.و در دیگر مقاله مفصّل بعنوان «الرّد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی» در ردّ بر رساله «لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر» ابن محمود قاضی قطر، نشریه فوق شماره 1 سال 12، 14/1400 هـ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/442.31 ــ ابوالفضل عبداللّه بن محمد بن صدیق حسینی ادریسیدر «المهدی المنتظر» چاپ عالم الکتب بیروت ص95.32 ــ شیخ حمود بن عبداللّه تویجری (معاصر)از استادان دانشگاه اسلامی مدینه، در کتاب «الاحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر» در ردّ بر کتاب «لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر» قاضی قطر ص121.33 ــ شیخ عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز (معاصر)از رجال علمی دربار حکومت سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوی و دعوت و ارشاد، در ذیل تأییدنامه مقاله «عقیدة اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر» شیخ عبدالمحسن عباد سابق الذکر، و نیز در کلام تقریضی او بر کتاب «الاحتجاج بالاثر...» تویجری مذکور ص3.34 ــ در پایان قابل توجه است که دکتر عبدالحلیم نجار ضمن مقدمه اش ــ بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» سعد محمد حسن مصری، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن نقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدی منتظر و انکار او خلاصه می شود ــ مؤکداً خاطر نشان میکند که بنظر علماء حدیث، موضوع مهدی بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

معترفین به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر

و اما معترفین از طبقه حدیث آوران و حدیث شناسان اهل تسنن به صحت و قابل استناد بودن احادیث وارده پیرامون شئون مختلف مهدی منتظر، پس در حدود بیست و پنج نفرند که هر یک با تعبیرات گوناگون، نقلیات روایتی مورد بحث را صحیح و قابل قبول اعلام کرده اند و اسامی و آدرس کلامی آنها بدین قرار است:1 ــ حافظ ترمذی (متوفی 297) در «سنن» خود ــ که یکی از صحاح سته حدیث اهل تسنن می باشد ــ ج 4 ص 505 و 5062 ــ حافظ ابوجعفر عقیلی (322) در کتاب «الضعفا الکبیر» ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج 3 ص 253، شماره 12573 ــ ابومحمد حسن بن علی خلف بربهاری شیخ حنبلیان (329)در کتاب «شرح السنة» بنقل شیخ حمود تویجری در «الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر» ص 284 ــ حاکم نیشابوری (405) در«مستدرک» ج4صفحات 429،442،450، 454، 457، 458، 464، 465، 502، 520، 554، 557، 5585 ــ امام المحدثین بیهقی (458) در «الاعتقاد و الهدایة الی سبیل الرشاد ص 127 ونیز بنقل ابن قیم در «منار المنیف» ص 130 شماره 2256 ــ حافظ بغوی (510 یا 516) در «مصابیح السنة» ص 488 شماره 4199، 492 و 4937 ــ مورخ شهیر و محدث معروف ابن اثیر (606) در کتاب «النهایة فی غریب الحدیث و الاثر» ج 1 ص 290 ج 2 ص 172 و 325 و 386 و ج 4 ص 33 و ج 5 ص 2548 ــ ابن منظور افریقی (711) در «لسان العرب» ص 59 ذیل کلمه «هدی»9 ــ ابن تیمیه یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (728) در «منهاج السنه» ج 4 ص 21110 ــ بزرگ حدیث شناس اهل تسنن، حافظ ذهبی، (748) در «تلخیص المستدرک» ج 4 ص 55311 ــ ابن کثیرشامی(774)در«النهایة فی الفتنوالملاحم»ج1 ص5512 ــ فاضل تفتازانی (793) در «شرح المقاصد ص 312 در شرح عقاید نسفی ص 16913 ــ نور الدین هیثمی (807) در «مجمع الزوائد» ج 7 ص 115، 116، 313، 314، 316، 31714 ــ شیخ محمد جزری دمشقی شافعی (833) در «السمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب» ص 163، 16815 ــ الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری (840) در «مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه» ج 3 ص 263 شماره 144216 ــ علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی (975) در «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» که در رد سید محمد بن سید محمد خان جونپوری مدعی مهدویت، نوشته و از متن فتواهای چهار نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هم (که بیانگر صحت احادیث مربوطه و وجوب ایمان بدانها بر هرمسلمانی است) استفاده نموده.مراجعه شود به کتاب فوق ص 177 و 178 ــ 179 و 180 و 181 و 182 و 18317 ــ سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زبیدی (1205) در «تاج العروس» ج 10 ص 408، 409، ذیل کلمه «هدی»18 ــ شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوائی شافعی مصری، (1308) در منظومه «قطر الشهدی فی اوصاف المهدی» که شرحش بنام «عطرالوردی فی شرح القطرالشهدی» بطورمکرربنظر رسید ص6819 ــ ابوالبرکات آلوسی حنفی (1317) در «غالیة المواعظ» ص 76 ــ 7720 ــ ابوالطیب، محمد شمس الحق عظیم آبادی (1329) در «عون المعبود شرح سنن ابی داود» ج 11 ص 36121 ــ شیخ منصورعلی ناصف (بعد 1371) در «التاج الجامع للأصول» باب هفتم ــ ج 5 ص 341 آخر باب نهم؟؟؟22 ــ شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع، (1385) در «تحدیق النظر باخبار الامام المنتظر»23 ــ شیخ محمد قؤاد عبدالباقی (1388) در تعلیقه اش بر حدیث مندرج در سنن ابی داود، بنقل شیخ عبدالمحسن عباد در مقاله «عقیدة اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» مندرج در «الامام المهدی عند اهل السنة» ج 224 ــ ابوالاعلی مودودی، معاصر، در «البیانیات» ص 11625 ــ نویسنده محقق سعید ایوب معاصر در «عقیدة المسیح الدّجال فی الادیان» ص 361 چاپ سوم قم، مطبعه مهر 1413

مهدی از فرزندان فاطمه دختر پیامبر است

از جمله پیشگوئیهای صریح پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) پیرامون امام مهدی منتظر در رابطه با مشخصات نسبی و ویژگیهای فامیلی آن حضرت، موضوع بودن آن موعود جهانی است از فرزندان فاطمه، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حدیثی و أعلام تاریخی اهل تسنن، احادیث بیانگر این امر و فرازهای تاریخی مربوط بدان را نقل و ثبت کرده اند و محلّی برای شکّ و شبهه در این باره باقی نگذارده اند; و عباراتی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در این باره ایراد فرموده، بنقل ام سلمه بدین قرار است:«المهدیّ حقّ و هو مِن ولد فاطمة»«المهدیّ مِن ولد فاطمه»«المهدیّ مِن عترتی مِن ولد فاطمة»و به نقل حسین بن علی بن أبی طالب بدینگونه باشد که با روی سخن به فاطمه فرمود:«المهدی من ولدک»«أبشری یا فاطمة، فانّ المهدیّ منک»«أبشری یا فاطمة، المهدیّ منک»و به نقل أبوایّوب أنصاری چنین آمده:«...و منّا خیر الأوصیاء و هو بعلک... و منّاالمهدیّ و هو من ولدک»«... و منّا المهدیّ...»و همچنان که ملاحظه می شود این عبارات خلاصه می شود در اعلام بودن حضرت مهدی(علیه السلام) از فرزندان فاطمه(علیها السلام) دختر پیامبر(صلی الله علیه وآله)، و براین اساس فاطمی نبودن مدّعیان مهدویّت خود یکی از دلائل محکم، و سرنخی است بر دروغگوئی آنان.همچنانکه دیگر مشخّصات مهدی راستین نیز دلیل و نشانه است بر دروغگوئی مهدیهای فاطمی و بی اساس بودن دعوای مهدویّت آنها.و امّا ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه، و مصادر نقل آن، پس بدین شرح است:1 ــ إبراز الوهم المکنون من کلام إبن خلدون: أحمد بن محمّد بن صدیق مغربی; ص146 حدیث 77.2 ــ الإذاعة لما کان و ما یکون بین یدی الساعة: سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری; ص116.3 ــ الأربعین حدیثا فی المهدی: حافظ أبونعیم اصفهانی; مندرج در «العرف الوردی» سیوطی و «حدیقة الشیعة» مقدّس أردبیلی و «کشف الغمة» اربلی و «بحار الأنوار» علاّمه مجلسی.4 ــ أرجح المطالب: شیخ عبیداللّه حنفی; ص381 و 384 و 385 با اسناد مختلف.5 ــ أسعاف الرّاغبین: إبن صبّان مالکی; چاپ حاشیه «نور الأبصار» شبلنجی، ص137.6 ــ الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسینی برزنجی; ص88.7 ــ أشعة اللمعات: شیخ عبدالحقّ دهلوی; 4/337.8 ــ انسان العیون (مشهور به سیره حلبی): 1/193.9 ــ البرهان فی علامات مهدی آخر الزّمان: متّقی هندی; باب2 حدیث 2 و 17 و 20 و 22 و 23.10 ــ البیان فی أخبار صاحب الزمان: گنجی شافعی; ص310 چ نجف.11 ــ التّاج الجامع للأصول: شیخ منصور علی ناصف; ج5 ص343، اوایل باب هفتم کتاب الفتن.12 ــ تاریخ الرقّة: أبوعلی قشیری حرّانی; ص70 و 71.13 ــ تاریخ الکبیر: بخاری; ج2 بخش 1 ص316.14 ــ تذکرة الحفاظ: شمس الدین ذهبی; 1/463.15 ــ تذکرة: قرطبی; ص616.16 ــ تعلیقة: شیخ طاهر نعسانی بر «تاریخ الرقّة:» قشیری; ص70.17 ــ تلخیص مستدرک حاکم: ذهبی; 4/557.18 ــ تمییز الطیّب من الخبیث: إبن ربیع شیبانی; ص220.19 ــ تیسیر الوصول: إبن ربیع شیبانی; 2/237.20 ــ جالیة الکدر: عبدالهادی ابیاری; 208.21 ــ جامع صغیر: سیوطی شافعی; 2/579.22 ــ جمع الجوامع: سیوطی; 2/104.23 ــ جواهر العقدین: نورالدین سمهوری; بنقل «ینابیع المودة» قندوری، اول باب73.24 ــ در المنثور: سیوطی; 6/58; بنقل از أبوداود، إبن ماجه، طبرانی تا حاکم از امّ سلمه.25 ــ الدُّر المنظم: محمد بن طلحه شافعی(652) مندرج در باب 68 «ینابیع المودة» ص 492 چاپ نجف و ص 432 چاپ استانبول26 ــ ذخائر العقبی: محب الطبری; ص44 و 166; بنقل «أربعین حدیثاً فی المهدی» أبوالعلاء همدانی.27 ــ راموز الأحادیث: أحمد ضیاءالدین حنفی نقشبندی; ص236.28 ــ سراج المنیر ــ فی شرح الجامع الصغیر سیوطی ــ: احمد بن محمد عزیزی; ص409.29 ــ سنن: أبی داوود سجستانی; 4/151.30 ــ سنن المصطفی: إبن ماجه قزوینی; 2/519.31 ــ شرح نهج البلاغة: إبن أبی الحدید; 1/281 چاپ 2جلدی مصر.32 ــ صحیح مسلم: به نقل کنز العمال 14/26433 ــ صواعق المحرقة: ابن حجر هیثمی; ص235.34 ــ العرائس الواضحه: عبدالهادی ابیاری; 208.35 ــ العرف الوردی فی اخبار المهدی: سیوطی; ضمن «الحاوی للفتاوی»; 2/124 و 144 و 137 و 146 و 148 و 155 و 165 از أبونعیم و إبن عساکر و طبرانی، چاپ 1378 مصر.36 ــ عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص21 حدیث 21ـ25 بنقل از «سنن» إبن ماجه و «سنن» امام أبوعمر مقری و «صفة المهدی» حافظ أبونعیم و «الملاحم» إبن منادی.37 ــ الفتاوی الحدیثه: إبن حجر هیثمی مکی; ص29.38 ــ فتح الکبیر: یوسف نبهانی لبنانی; ص259.39 ــ الفتن و الملاحم: أبونعیم بن حماد; ج1 ص 373 چاپ مکتبة التوحید قاهره40 ــ الفتوحات الکبیر: محی الدین ابن عربی چاپ بولاق41 ــ الفردوس: شیرویه بن شهردار دیلمی; شماره 6670 ج 4 ص 223.42 ــ فصول المهمة: إبن صباغ مالکی; ص276.43 ــ الفقه الأکبر: مولوی حسن الزّمان; 2/67 و 2/70.44 ــ کنز العمّال: متّقی هندی; 6/318 و 7/259، چاپ حیدرآباد و 12/105 بنقل از سنن ابی داود و صحیح مسلم از ام سلمه و 14 / 264 به نقل از إبن عساکر از امام حسین بن علی، چاپ حلب45 ــ کنوز الحقایق: مناوی; ص 3 و 164 ط بولاق مصر.46 ــ لوائح الأنوار البهیة: محمد سفارینی حنبری; قبل از عنوان فوائد.47 ــ مجمع الزوائد: نورالدین هیثمی; 9/166، کتاب المناقب، باب فضل اهل البیت.48 ــ مستدرک: حاکم نیشأبوری; 4/557.49 ــ مسند فاطمه: سیوطی; چاپ 1406 مطبعه عزیزیه حیدرآباد هند، بنقل از إبن عساکر.50 ــ مشارق الأنوار فی فوز اهل الإعتبار: حمراوی; ص 152 بنقل از «صحیح» مسلم و «سنن» أبی داود و «سنن» نسائی و «مستدرک» حاکم و «سنن» إبن ماجه و «سنن» بیهقی و دیگران.51 ــ مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی; 3/24.52 ــ مصابیح السنّة: بغوی; 3/134.53 ــ مطالب السئول: محمد بن طلحه شافعی; ص89.54 ــ معجم الصغیر: أبوالقاسم طبرانی; ص52 حدیث 94.55 ــ مفتاح النجاء: بدخشی; ص100، مخطوط.56 ــ مقاتل الطالبیین: أبوالفرج اصفهانی; ص143.57 ــ مقاصد الحسنه: شمس الدین سخاوی; ص435.58 ــ الملاحم: إبن منادی ــ أبوالحسین احمد بن جعفر ــ; ص41.59 ــ المنار المنیف: ابن قیم جوزیه ص 146 شماره 33460 ــ منتخب کنزالعمّال: چاپ حاشیه «مسند» أحمد حنبل، 5/96 و 6/30.61 ــ منهاج السنّة: إبن تیمیه حرّانی; 2/211.62 ــ میزان الإعتدال: ذهبی; 1/355 و 2/240.63 ــ نهایة البدایة و النهایة: إبن کثیر دمشقی; 371 و 40.64 ــ ینابیع المودة: سلیمان قندوزی; 3/86 چ بیروت و ص519 چ نجف

مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام حسین بن علی است نه حسنی و از فرزندان امام حسن بن علی

از جمله پیشگوئیهای پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در رابطه با مشخصات نسبی و ویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر(علیه السلام)موضوع حسینی بودن او ست که حضرتش با تعبیرات مختلف جدّ پدری آن امام بزرگوار را ابوعبداللّه، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود.البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموما به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود.ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی وکشف وبرملاشدن دروغبافی وبی راهه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر، لازم دانستیم توجه خوانندگان رابه این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد.واینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج:1ــ علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری (276) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: «انّه من ولد الحسین علیه السلام،همانا که مهدی از فرزندان حسین باشد...، و ذکر حلیته فقال: رجل اجل الجبین...»[شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 1 ص 281 و 19/130]2ــ حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (متوفای 385) ــ به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهارــ در «الجرح و التعدیل» ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری (که بیانگر بیمارشدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد) آورده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله)فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینکه: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد،سپس دست بر شانه حسین ــ که حاضر در مجلس بود زد و فرمود: «مِن هذا مهدیُّ الامّة»از این (حسین) باشد مهدی (منتظر این) امت.نیز قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار صفحه 590 این فراز از حدیث را آورده است.3ــ حافظ ابونعیم اصفهانی (430هـ) در کتاب «اربعون حدیثاً فی المهدی» به عنوان حدیث ششم با ذکرسند نقل از حذیفه رض نموده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)باایراد خطبه و خبردادن از رخدادهای جهان فرمود:«لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول اللّه عزوجل ذلک الیوم، حتی یبعث رجلا من ولدی اسمه اسمی.فقام سلمان رض فقال: یا رسول اللّه، من ایّ ولدک هو؟قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام» [10] .توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم4ــ اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی (586) در مقتل الحسین اوائل فصل هفتم ص 146.5ــ شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی ــ صاحب «اربعون حدیثا فی المهدی» ــ (569 هـ) بشرح مندرج در «فرائد السمطین» و به نقل «مناقب کاشی ــ مخطوط و موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قمــ».6ــ ابن ابی الحدید (656) در شرح نهج البلاغه ج 1 ص 281 ــ 282 وج 19 ص130 بااشاره به نقل ابن قتیبه در«غریب الحدیث» از علی(علیه السلام).7ــ محمد بن یوسف گنجی شافعی (مقتول سنه 658) در «البیان فی اخبار صاحب الزمان» ص 90 چاپ نجف باب نهم به نقل از «الجرح و التعدیل» دارقطنی،8ــ یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی (685) در «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» چاپ 1399 مکتبه عالم الفکر مصر،باب اول ص 24 بنقل از «صفة المهدی» ابونعیم از حذیفهآخر باب 2 ص 32 بنقل از مصدر فوقباب 4 فصل 2 ص 89 بنقل از جابربن یزید جعفی از ابوجعفر (امام باقر ع) و ص 95 بنقل از امام امیرالمؤمنین علیه السلام،باب ششم تحت عنوان: فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسین بنقل از دارقطنی صاحب «الجرح و التعدیل»اواسط باب 4 ص 127 بنقل از فتن نعیم بن حماد از عبداللّه بن عمروباب نهم فصل سوم ص 223 از «صفة المهدی» حافظ ابونعیم و حافظ ابوعبدالله نعیم بن حمّادو«معجم»حافظ ابوالقاسم طبرانی ازعبداللّه بن عمرو9ــ محب الدین طبری (694) در «ذخائر العقبی» ص 136ــ137،10ــ شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبداللّه جوینی خراسانی (730) در «فرائد السمطین ــ فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهمــ» ج 2 ص 325ــ326 شماره 575 با ذکر سند منتهی به حافظ ابوالعلا حسن عطار همدانی.11ــ حافظ شمی الدین ذهبی (748) در میزان الاعتدال ج 2 ص 382 ذیل نام عباس بن بکار ضبی12ــ سیدعلی شهاب همدانی (786) در «مودة القربی و اهل العباء» مندرج در «ینابیع الموده قندوزی ص 308 چاپ نجف» مودّه دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون.13ــ محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا (822) در «فصل الخطاب»مشروحاحضرت مهدی راازفرزندان امام حسن عسکری دانسته واعلام نموده [ینابیع الموده باب 65، ص 464 چ نجف]14ــ ابن حجر عسقلانی (852) در «لسان المیزان» ج 3 ص 300 طبق متن فرائدالسمطین.15ــ ابن صبّاغ مالکی (855) در «فصول المهمّه فی معرفة الأئمة» ص 277 بنقل از ابونعیم عین آنچه را که از حذیفه آوده.16ــ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (1294) در«ینابیع المودة» اواخر باب 54 ص 197 چاپ نجف بنقل از مودة القربی همدانی.اوایل باب 77 ص 534 بنقل از علی (ع) از پیامبر (ص) و از سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: «...انت ابوحجج تسعة تاسعهم قائمهم المهدی» بنقل از حموینی و خوارزمی، و بنقل از ابن عباس با تعبیر «و تسعة من ولد الحسین مطهرون» از حموینیاواسط باب 94 ص 588 بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حذیفه در پاسخ سئوال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش ــ که مهدی از اولاد او باشد ــ.و ص 589 بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است.و نیز ص 589 با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: «مهدی از فرزندان من باشد».و ص 590 متن آنچه را از «الجرح و التعدیل» دارقطنی آوردیم.نیز ص 590 بنقل از مناقب خوارزمی [11] از سلمان فارسی.روایتی راکه سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را برروی زانو نشانده و او را می بوسید وخبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد17ــ شیخ عبدالهادی ابیاری (1305) در «العرائس الواضحه» ص 20818ــ سید مؤمن بن حسن شبلنجی (1308) در «نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» چاپ بولاق مصر.

معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی از نسل فاطمه زهرا و امام حسین بن علی در نیمه شعبان 255 هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می نمائیم و آن اینکه:اصل مسأله مهدویّت در اسلام مانند ـ مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم ـ یک مسأله اتفاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است.چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنّن منکر، و اکثریّت قریب به اتفاقْ موافق با شیعه، و در منابع عقیدتی، حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده اند.ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبتو... با شیعه هم عقیده اند.با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، شده ایم، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف، و آن را موکول به بعد نموده است، ما در این مقدمه به اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه هم عقیده، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم; و برای تفصیل بیشتر، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب «الامام المهدی عند اهل السنة» [12] و مقدمه آن ارجاع می دهیم.1 ــ ابوبکر محمد بن هارون رویانی (در گذشته 307) در «مسند» مخطوط موجود در کتابخانه ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت «مهدی» در جلد سوم «الامام المهدی عند اهل السنة» مندرج، تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردد.2 ــ ابن ابی ثلج، ابوبکر، محمّد بن احمد بن بغدادی (238 ـ 322) از بزرگان محدثان و مؤلف «تاریخ الأئمة» که به عنوان «موالید الأئمة» به پیوست «الفصول العشرة فی الغیبة ـ شیخ مفید ـ» و «نوادر راوندی» به سال 1370 هجری در نجف به چاپ رسیده; و در این کتاب انتساب حضرت مهدی(ع) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است.3 ــ ابوالعباس، احمد بن ابراهیم بن علی کندی، شاگرد ابن جریر طبری، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی، مقیم مکه، و راوی کتاب «موالید الأئمة».4 ــ ابوعلی، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، راوی کتاب «موالید الأئمة» ابن ابی ثلج به سال 350 از کندی سابق الذکر.5 ــ ابومسعود، احمد بن محمد بن عبدالعزیزبن شاذان بجلی، نویسنده و قاری رساله «موالید الأئمة» بر ابومنصور شیرازی.6 ــ ابومنصور، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذبور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است.7 ــ ابومحمد، اسد بن احمد ثقفی که رساله «موالید الأئمة» را از ابومنصور گرفته است.8 ــ ابوماجد، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است.9 ــ ابوعبداللّه، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است.10 ــ محب الدین، ابوعبداللّه، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی(643) که شاگرد ابن جوزی، مدرس مدرسه «مستنصریه» بغداد، و مؤلف «ذیل تاریخ بغدادـ شامل40جلد ـ» بوده و محتوای رسـاله «موالید الأئمة» را از مشایخ سـه گانه پیشین (ابومحمد ثقفی، ابوماجد، ابوعبداللّه فاخر قرشی) شنیده و ضبط نموده است.11 ــ نسب شناس مشهور، ابونصر، سهل بن عبداللّه بخاری زیدی (بعد 341) در «سرُّ السلسة العلویَّـة» پیرامون نام امام حسن عسکری (ع) چاپ نجف.12 ــ مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی(346) در «مروج الذهب» جلد 8،چاپ لیدنـ به ضمیمه ترجمه فرانسوی ـص40.13 ــ خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف کاتب(387) در «مفاتیح العلوم»، چاپ لیدن سنه 1895، ص32 ـ 33.14 ــ حافظ ابوالفتح، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی (388 ـ 412) در «اربعین» خود شماره 4 به نقل«کشف الاستار» محدّث نوری ص 29 چاپ اول.15 ــ جعفر بن محمد بن المعتز مستغفری سمرقندی (432) در «دلائل النبوة و المعجزات» (بنــا به نقل شیخـانی در «الصراط السوی»).16 ــ ابوبکر، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی (458) در «شعب الایمان» چاپ دائرة المعارف هند.17 ــ مؤلف «مجمل التواریخ و القصص» فارسی، (تألیف سال 520)، ص 458 چاپ تهران.18 ــ احمد بن ابی الحسن نامقی جــامی(536) به نقل «ینابیع المودة» ضمن احوال امیر مؤمنان، باب 87 ص 566.19 ــ ابن خشاب، أبومحمد، عبداللّه بن احمد بغدادی (567) در «تاریخ موالیدالائمة و...» [13] به نقل «کشف الأستار» و«أعیان الشیعه».20 ــ اخطب خوارزم، موفق بن احمد حنفی(484 ـ 568) در «مقتل امام حسین» (که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند) ج 1 ص 94، 96 ضمن دو روایت و به نقل «ینابیع المودة» ص 492 چاپ اسلامبول سنة 1301 و «کشف الاستار» علامه نوری.21 ــ یحیی بن سلامت خصکفی شافعی (568) به نقل مؤلفان «تذکرة الخواص» ص 360 چاپ نجف و «ینابیع المودة» باب 87 ص569 بعنوان بعض شافعیه.22 ــ ابن ازرق، عبداللّه بن محمد بن فارقی (590) در «تاریخ میا فارقین» به نقل «وفیات الاعیان» (ج 3 ص316، شماره مسلسل534).23 ــ خلیفه عباسی، الناصرلدین اللّه، احمد بن مستضییء (622) روی درب مُنبَّت کاری صفه سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده.24 ــ شهاب الدین، یاقوت بن عبداللّه حموی رومی بغدادی (626) در «معجم البلدان» (ج 3 ص 173) پیرامون کلمه «سامراء».25 ــ شیخ فرید الدین عطار، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی (627) در دیوانش به نام «مظهر الصفات» به نقل «ینابیع المودة» باب87.26 ــ ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی (555 ـ 630) در «الکامل» ذیل سنه 260.27 ــ شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی (638) به نقل شعرانی ــ در «الیواقیت و الجواهر» مبحث 65 ــ از باب 366 «فتوحات مکیه» او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده.نیز حمزاوی در «مشارق الانوار» و صبان در «اسعاف الراغبـین» این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند.28 ــ شیخ سعد الدین، محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعد الدین حموی (650) در رساله «مهدی منتظر» به نقل جامی در «مرآة الاسرار».29 ــ شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی (582 ـ652) در «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول» باب 12 و نیز در «الدر المنظم» که بخشی از آن در باب 68 «ینابیع المودة» (ص 493 ـ 494) درج و به چاپ رسیده است [14] .30 ــ شمس الدین، یوسف بن قزاوغلی، سبط ابی الفرج بن جوزی (654) در «تذکرة خواص الامة ـ فصل ویژه حضرت مهدی ـ» که در تهران و نجف به چاپ رسیده است.31 ــ حافظ ابوعبداللّه محمد بن یوسف گنجی شافعی(658) در «کفایة الطالب» ـ پیرو نام امام عسکری(ع) ـ و در «البیان فی أخبار صاحب الزمان» ـ باب 25 ـ که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده است.32ــ جلال الدین بلخی رومی(672) در «مثنوی»، ضمن قصیده «ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند».[«ینابیع الموده»،باب 87]33 ــ صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه(673) در قصیده «رائیه» خود به نقل «کشف الاستار» محدث نوری شماره مسلسل 31.34 ــ ابن خلکان (681) در «وفیات الاعیان» ج 1 ص 571 چاپ بولاق مصر، و در چاپ دیگر ج 3 ص 316 شماره 534.35 ــ عزیزالدین، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی(686) در رساله خود به نقل «ینابیع المودة» پایان باب 87.و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف «عقاید النسفیه» و در گذشته 538 است که مؤلفان «کشف الاستار» و «منتخب الاثر» با یکدیگر اشتباه نموده اند، و مؤلف «دانشمندان عامه و مهدی موعود» تاریخ فوتش را 616 نگاشته است.36 ــ حکیم ادیب، عامر بن بصری نزیل سواین روم (696) در «تائیه» خود که ـ به نقل «معجم المؤلفین» 5/54 ـ بنام «ذات الانوار» با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده، و علامه نوری در صفحه 55 «کشف الاستار» این بخش از اشعار او را ذکر نموده است.37 ــ مورخ نامی، حمداللّه بن ابی بکر مستوفی قزوینی (730) در «تاریخ گزیده فارسی» ص 206 ـ 207 چاپ 1339 تهران.38 ــ شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموئی شافعی (644 ـ 732) در «فرائد السمطین» ج 2 ص 337 چاپ بیروت.39 ــ مورخ شهیر، ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی، حاکم حماة از بلاد سوریه(732) در «المختصر فی اخبار البشر» ذیل سنه 254 ج 2 ص45.40 ــ کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی (730 یا 735) در «تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان» به نقل سعید نفیسی در «سر چشمه تصوف در ایران» ص216.41 ــ عارف شهیر علاءالدوله سمنانی، احمد بن محمد شافعی (659 ـ 736) به نقل خواجه پارسا در «فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب» که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است.42 ــ مورخ شهیر، شمس الدین محمد ذهبی (673 ـ 748) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده، در تاریخ «دول الاسلام» ج 1 ص 158 ذیل سنه 260; نیز در «العبر فی خبر من غبر» ج 2 ص 20 ذیل حوادث سنه 260.43 ــ ابنوردی، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (691 ـ 749) در «تتمة المختصر» معروف به تاریخ ابنوردی، چاپ مصر ج 1 ص 318 ذیل حوادث سنه 254 پیرامون وفات امام هادی(ع).44 ــ شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرندی حنفی انصاری (693 ـ 747 یا 748 یا 750) در «معراج الوصـول الی معرفة فضیلة آل الرسول» که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است.45 ــ صلاح الدین صفدی خلیل بن ایبک (764) مؤلف «الوافی بالوفیات» و «شرح لامیة العجم» و «شرح الدائرة» به نقل «ینابیع المودة» باب 86.46 ــ حافظ محدث، عبداللّه بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی (765) در «الریاض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص 93 و 215 ـ 216 چاپ قدیم.47 ــ مورخ شهیر، عبداللّه بن علی یافعی یمنی شافعی (700ــ768) در «مرآة الجنان» ج 2 ص172 ذیل حوادث سنه 260.48 ــ سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند (714 ـ 786) در «مودة القربی» و «اهـل العباء» که نسخه عکسـی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است، و متن کامل آن ضمن باب 56 «ینابیع المودّة» ص 288 ـ 317 چاپ نجف مندرج است.49 ــ ابوولید، محب الدین، محمّد بن شحنه حلبی حنفی (749 ـ 815) در «روضة المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر» ـ که مختصر «تاریخ ابوالفداء» است و در حاشیه «مروج الذهب» به سال 1303 در مصر به چاپ رسیده است ـ ج 1 ص 294.50 ــ عارف شهیر و مورخ نامی، محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی (822) در «فصل الخطاب» که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپی آن نزد اینجانب موجود می باشد; و گویا در هند به چاپ رسیده است; و بخش ویژه ائمه اثناعشر آن مندرج در باب 65 «ینابیع المودة» می باشد.51 ــ مورخ شهیر، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی (777 ـ 845) در «مجمل فصیحی» چاپ مشهد سنه 1341، ج 1 ص 231، ضمن رویدادهای 255.52 ــ شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی، معروف به ملک العلماء زاولی دولت آبادی (849) در «هدایة السعداء فی مناقب السادات» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری ص 73 و «البرهان» علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق.53 ــ خواجه أفضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی اصفهانی(850) در «تنقیح الادلة و العلل» ترجمه «مللو نحل» شهرستانی، ص 18 و 183 و 187.54 ــ ابن صباغ، نورالدین، علی بن محمد مالکی (734ـ855) در «الفصول المهمة فی معرفة الائمه» ضمن فصل ویژه حضرت مهدی(ع)، ص 274 چاپ غری.55 ــ شیخ عبدالرحمن بسطامی (858) در «درة المعارف» به نقل «ینابیع المودة» باب 84.56 ــ ابوالمعالی، سراج الدین، محمد بن عبداللّه حسینی رفاعی مخزومی بغدادی (793 ـ 885) در «صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمیة الاخیار» ص 143، چاپ 1306 مصر.57 ــ نورالدین، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر(898) صاحب «شرح کافیه» در «شواهد النبوة» که در لکهنو و بمبئی در 44 صفحه بچاپ رسیده است و فتوکپی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است.58 ــ محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی (901) به نقل قندوزی در «ینابیع المودة» باب 86 ص 566 چاپ نجف.59 ــ مورخ نامی، میرخواند، محمد بن خاوند شاه (903) در «روضة الصفا» ج 3 ص 59 ـ 62 فصل ویژه حضرت مهدی(ع)، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد.60 ــ قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی (درگذشته بعد 909) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده، در قصیده خود که شامل سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم از بخش سوم «ابطال الباطل» آنرا ذکر نموده، و نگارنده عین آن را در مقدمه «الامام المهدی عند اهل السنة» بخش مخطوطات آورده است.61 ــ ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی(910) در «روضة الشهداء» فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره.62 ــ قاضی حسین بن معین الدین میبدی یزدی حکیم (911) ـ از شاگردان ملا جلال الدین دوانی ـ در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی(ع) ص 123 و ص 371 چاپ تهران.63 ــ فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (907 یا 918 یا 928) در «نور الهدایة فی اثبات الولایة» که بار اول ضمیمه «خصایص» ابن بطریق بسال 1211 قمری، و بعداً به سال 1375 در تهران بچاپ رسیده است.64 ــ ابوالحسن، علی بن محمد شاذلی (857ـ939) بنا به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» باب 56.65 ــ مورخ نامی، خواند میر (942)، سبط میرخواند مؤلف «روضة الصفا» در تاریخ «حبیب السّیر» ج 2 ص 100 ـ 113.66 ــ شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (953) در «الأئمة إثنی عشر» ص 117 چاپ دارالصادر بیروت.67 ــ شیخ حسن عراقی (بعد 958) مدفون بالای کوم الریش در مصر، به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» مبحث 60 و در «لواقح الانوار» چاپ 1374 مصر ج 2 ص 139، ملاقات و اجتماع او را با حضرت مهدی(ع) ذکر نموده است.68 ــ شیخ علی خواص، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب شعرانی (بعد 958) به نقل شاگردش «لواقح الانوار» ج 2 ص150 و «الیواقیت و الجواهر» مبحث 65.69 ــ تقی الدین ابن ابی منصور (تاریخ فوت او بدست نیامد) شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» آغاز باب 65 از کتاب «عقیده» او نقل کرده است.70 ــ مورخ شهیر، قاضی حسین بن محمد دیار بکری (966) در «تاریخ الخمیس» ج 2 ص 343 پیرامون حوادث 260 و رویدادهایـ ایام معتمد عباسی.71 ــ عارف شهیر، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی (898 ـ 973) در «الیواقیت و الجواهر» مبحث 65.72 ــ شهاب الدین، شیخ الاسلام، احمد بن حجر هیثمی شافعی (909 ـ 974) در «صواعق المحرقة» ص 100 و 124 چاپ 1313 هجری مصر،73 ــ سید جمال الدین، عطاء اللّه بن سید غیاث الدین فضل اللّه شیرازی نیشابوری (1000) در «روضة الاحباب» فارسی، چاپ 1297 لکهنو و 1310 هند، در فصل ویژه حضرت مهدی(ع).74 ــ محدث شهیر، ملاعلی بن سلطان هروی قاری (1014) در «المرقاة فی شرح المشکاة» که بخش ویژه حضرت مهدی(ع) از آن در جلد دوم «الامام المهدی عند اهل السنة» به چاپ رسیده است.75 ــ مورخ شهیر و فاضل، ابی العباس، احمد بن یوسف بن احمد دمشقی قرمانی (939 ـ 1019) در تاریخ «اخبار الدول و آثار الاول» ص 117، ضمن باب ویژه خلفاء و ائمه.76 ــ امام ربانی، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی (971 ـ 1031)، که از بزرگان صوفیه هند بوده، و از وی به مجدِّد هزاره دوم تعبیر کرده اند، در «مکتوبات» ج 3 مکتوب آخر.77 ــ عارف شهیر، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی (بعد 1045) در «مرآة الاسرار»، فارسی، شامل شرح حال مشایخ صوفیه (که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره 167 و کتاب 1309 موجود است، و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد) و شاه ولی اللّه دهلوی نیز در کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء اللّه و اساتید و ارثی رسول اللّه» از آن نقل کرده است.78 ــ عارف شهیر، بدیع الزمان قطب مدار، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب «مرآة الاسرار» را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود; و به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص 51 تحت شماره 27، عبدالرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است.79 ــ ابوالمجد، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی (959 ـ 1052) در رساله ویژه مناقب ائمه و احوال آنها به نقل «کشف الاستار» تحت شماره 12.80 ــ مورخ شهیر، عبدالحی بن احمد، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی (1032 ـ 1089) در «شذرات الذهب» ضمن حوادث 260 هجری، ص142، چاپ 1350.81 ــ شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری (بعد 1094) در «الصراط السوی فی مناقب آل النبی(ص)».82 ــ عبدالملک بن حسین بن عبدالملک بن عصامی مکی (1049 ـ 1111) در کتاب «سمط النجوم العوالی» ج 4 ص 137 ـ پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری(ع) ـ و ص 138.83 ــ میرزا محمد خان بن رستم بدخشی (1122) در «مفتاح النجا فی مناقب آل العبا» ص 181، مخطوط کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق 13/95]84 ــ سید عباس بن علی مکی (بعد 1148) در «نزهة الجلیس» ج 2 ص 128، چاپ قاهره.85 ــ شیخ عبداللّه بن محمد شبراوی شافعی مصری (1172)، شیخ جامع ازهر، در «الاتحاف بحب الاشراف» ص 68 ـ 69، چاپ قاهره.86 ــ احمد بن علی بن عمر، شهاب الدین، ابوالنجاح منینی حنفی دمشقی (1089 ـ 1173) در کتاب «فتح المنان» در شرح منظومه «الفوز و الامان» شیخ بهائی، ص 3، چاپ قاهره;متن این کتاب در «الامام المهدی عند اهل السنة» عیناً به چاپ رسیده است.87 ــ شاه ولی اللّه، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی (1110 ـ 1176) در «المسلسلات» معروف به «الفضل المبین» قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده، و با سکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است.نیز (به نقل «کشف الاستار» شماره 26) در «الانتباه فی سلاسل اولیاء اللّه» در این زمینه شرح مفصّلی از جامی آورده است.88 ــ شیخ سراج الدین، عثمان دده عثمانی (1200) در «تاریخ الاسلام و الرجال» ص 370، نسخه مخطوط کتابخانه آیت اللّه مرعشی. [ملحقات احقاق الحق 13/92]89 ــ شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی (1206) در «اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفیوفضائل اهل بیته الطاهرین» [15] ذکر نموده است.90 ــ مولوی علی اکبر بن اسداللّه مودودی (1210) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در «مکاشفات» ـ که حواشی بر «نفحات الانس» جامی است ـ (ج 7، ص327) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود.91 ــ مولوی محمد مبین هندی لکهنوی (1220) در «وسیلة النجاة» چاپ گلشن فیض، ص 316.92 ــ شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی اللّه دهلوی (1159 ـ 1239)، مؤلف «تحفة اثناعشریة» بنا به نقل «استقصاء الافهام» ص 119 در «النزهة» روایت ابن عقله، مربوط به ملاقات بلاذری را از «فضل المبین» پدر خود نقل کرده، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی(ع) می باشد.93 ــ خالد بن احمد بن حسین، ابوالبهاء، ضیاءالدین نقشبندی شهرزوری (1190 ـ 1242) از بزرگان صوفیه، در «دیوان فارسی» خود به نقل «مجمع الفصحاء» رضا قلی هدایت، ج 2، ص 11، چاپ 1329.94 ــ رشیدالدین دهلوی هندی (1243) در «ایضاح لطافة المقال» بنقل «الامام الثانی عشر» علامه عبقانی، ص 47، چاپ نجف.95 ــ نسب شناس شهیر، ابوالفوز، محمد امین سویدی بغدادی (1246) در «سبائک الذهب فی معرفة قبائل العرب» ص 87 در خط عسکری ذکر نموده است.96 ــ قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری حنفی (12501188)، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد، در «البراهین الساباطیه فیما یستقیم به دعائم الملة المحمدیة» چاپ عراق، به نقل «کشف الاستار».97 ــ شیخ عبدالکریم یمانی (قبل 1291) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت مهدی(ع) سروده و در «ینابیع المودة» عیناً آنها را آورده است.98 ــ محدث عالیقدر، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان (1220 ـ 1294) در «ینابیع المودة» آخر باب 56 و آخر باب 79، که بارها در ترکیه، هند، عراق، ایران، و در هفتمین بار به سال 1384 در نجف به چاپ رسیده است.99 ــ شیخ حسن عـدوی حمزاوی شافعی مصری (1303) در «مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار» ص 153، چاپ مصر.100 ــ عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الابیاری (1305) در «جالیة الکدر» ـ شرح منظومه سبزواری ـ ص 207 چاپ مصر.101 ــ مؤلف «تشیید المبانی» (1306) به نقل علامه محقق میرحامد حسین نیشابوری هندی در «استقصاء الافهام» ص 103، چاپ لکهنو.102 ــ سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری (1252 ـ بعد1308) در فصل ویژه حضرت مهدی(ع) در «نور الابصار» ص 150، چاپ 1322 مصر.103 ــ عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حضرمی (1320)، مفتی حضرم یمن، در «بغیة المسترشدین» ص 296، چاپ مصر، به نقل از جلال الدین سیوطی.104 ــ محمود بـن وهیب قراغـولی بغدادی حنفی در کتاب «جوهرة الکلام» مطبوع، ص 157، در فصلی که تحت عنوان «المجلس الثلاثون فی فضائل محمد المهدی رضی اللّه عنه» ویژه حضرت مهدی(ع) گشوده، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است.105 ــ عماد الدین حنفی، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در «کشف الأستار» ص 60، اعتراف به ولادت حضرت مهدی(ع) نموده، ولی علامه نوری از نصّ کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است.106 ــ فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری (1350) در «محاکمه در تاریخ آل محمّد[ص]» که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ رسیده، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است.107 ــ شیخ عبیداللّه امرتسری حنفی، معاصر، در کتاب «ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسداللّه الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب[ع]» که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ رسیده است، ص 377.108 ــ سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی، معاصر، در کتاب خود «سیرة الامام العاشر علی الهادی[ع]» ص 131.109 ــ محمد شفیق غربال(1311 ـ 1381)، مورخ شهیر و عضو مجمع لغوی در قاهره، در «دائرة المعارف» که به قلم گروهی از متخصصین در 2000 صفحه نگارش یافته، و به سال 1965 در قاهره به چاپ رسیده، زیرعنوان «الأئمة الإثنی عشریة» نوشته است که حضرت مهدی(ع) در سنه 873 میلادی (که همزمان با 260 هجری، آغاز غیبت صغری می باشد)غایب گردیده.110 ــ خیرالدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی (1310 ـ 1396) در «الأعلام» ج 6 ص 80 چاپ سوم، ضمن فصلی که به نام «محمد بن الحسن العسکری» باز نموده، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است.111 ــ یونس احمد سامرائی در کتاب «سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری» که با همکاری دانشگاه بغداد به سال 1968 میلادی به چاپ رسیده، در ص 46 پیرامون واژه «عسکری» می گوید:«گروهی از شخصیّت ها حامل نسبت این کلمه اند، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری، و او مهدی منتظر است.»و در پـاورقی همین صفحه تصریح به قبّـه و سـرداب غیبت نموده و می گوید:«همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده.»آنگاه می نویسد:«این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند.»بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی(ع) نوشته اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلّمی دانسته است.112 ــ مستشار عبدالحلیم جندی مصری، معاصر، در کتاب «الامام جعفر الصادق» ص 238 چاپ مجلس اعلای شؤون اسلامی مصر، 1397.آری، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی(ع) تصریح کرده اند; و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی(ع) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد; و کسانیکه قائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند.

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن

همچنانکه در بحث وبررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی منتظر خاطرنشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه (اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی (خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت) فراز «واسم ابیه اسم ابی» به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمود: «المهدی اسمه اسمه» اضافه شد و تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید، تا مهدی موعود «محمد بن عبداللّه» تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام باپیامبر است و پدرش همنام با پدر پیامبر، جا اندازی و قابل قبول گردد ومهدویت «محمد بن الحسن العسکری» از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود.این موضوع در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید، تا هم اکنون بین ببعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که می گویند: «مهدی، محمد بن عبدالله است»!اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هریک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه 255 هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شک وتردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) (امام یازدهم شیعه) معرفی و اعلام کرده اند.و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه «دفاع عن الکافی» تألیف آقای سید ثامر هاشم حبیب عمیدی، معرفی شده اند که مجموعا 126 نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن، و ساختگی بودن فراز «واسم ابیه اسم ابی» بر جای نمانده که متاسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و نقلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودنِ مهدی منتظر، یک سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری، مشت خیانت خود راباز کند و آبروی خود را به باد دهد.آری دکتر عبداللّه غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان «پروتوکلات آیات قم» ــ ص 11 چاپ 1411 هجری، 1991 م، ــ وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری درگذشت و فرزندی برجای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!.

تعداد صد و پنجاه و دو اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما و دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت مهدی

1 ــ «إبراز الوهم المکنون من کلام إبن خلدون، فی أحادیث الواردة فی المهدی» یا «المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی».أحمد بن محمّد بن صدیق شافعی مغربی (درگذشته1348).چاپ دمشق و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/223.2 ــ «ابراز الوهم من کلام إبن حزم».أحمد بن صدیق بخاری حضرمی(1380).چاپ 1347 مطبعه ترقی دمشق، در ردّ بر إبن حزم اندلسی (متوفای 456) که در کتاب «الفصل بین الاهواء و النّحل» از موضوع مهدویت تخطئه و انتقاد نموده و احادیث مهدی منتظر را تضعیف و بی اعتبار وانمود کرده است.3 ــ «اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة»شیخ محمود بن عبداللّه تویجری.ج اول چاپ اول 1394 چاپخانه الریاض عربستان سعودی.4 ــ «اتحاف الجماعة...».ج 2 چاپ 1396 ریاض عربستان سعودی.[دلیل مؤلفات الحدیث الشریف1/483]5 ــ «أحادیث أشراط الساعة الصغری».صالح محمد دخیل اللّه (معاصر).چاپ 1411 دانشگاه اسلامی مدینه در 637 صفحه وزیری که بعنوان تز دکترای مؤلف زیر نظر استاد ربیع بن هادی بن عمیر مدخلی تنظیم نموده.[دلیل مؤلفات الحدیث الشریف 1/483]6 ــ «أحادیث القاضیه بخروج المهدی».محمد بن اسماعیل امیریمانی.[الاذاعة ابن صدیق قنوجی بخاری ص 114]7 ــ «أحادیث المهدی من مسند أحمد بن حنبل(241)».استخراج و تنظیم سید محمد جواد حسینی جلالی(معاصر).شامل مقدمه طولانی و 136 حدیث از «مسند أحمد حنبل» به ترتیب موضوعی. و چاپ پنجم آن بسال 1409هـ وسیله مؤسسه نشر اسلامی قم (جامعه مدرسین) در 78 صفحه وزیری به ضمیمه کتاب «البیان» گنجی شافعی در 170 صفحه انجام شده.8 ــ «الأحادیث الواردة بشان الدّجال فی مسند أحمد والصحیحین و السنن الأربع جمعاً و تخریجاً و دراسة لما لم یبیّن فی الصحیح».أحمد بن عیسی بن هادی عسر.این کتاب رساله فوق لیسانس مؤلف باشد که بسال 1401 زیر نظر استادش سید محمد حکیم در دانشکده الدراسات العلیاء دانشگاه مدینه منوّره در 317 ورقه تنظیم گردیده.[دلیل مؤلفات الحدیث الشریف 1/484]توضیحاً کتاب بعنوان دجّال تألیف شده ولی چون موضوع آن مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) و کشته شدنش بدست عمال آن حضرت است در اینجا بذکر آن پرداختیم.9 ــ «الأحادیث الواردة فی المهدی، فی المیزان الجرح و التعدیل».عبدالعلیم بن عبدالعظیم هندی (معاصر).بنوشته شیخ عبدالمحسن عباد، این کتاب بعنوان تز دکترا در سال 1398 زیر نظر استادش، دکتر محمد ابوشهبه، درباره حضرت مهدی تألیف، و نسخه خطی آن در بیش از 600 صفحه در کتابخانه دانشکده شریعت در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکّه موجود میباشد.نیز گوید: این کتاب بهترین و گسترده ترین کتاب مرجع پیرامون احادیث حضرت مهدی(علیه السلام) است، که مؤلف بیش از چهار سال در تنظیم آن عمر سپری کرده و أحادیث مربوطه را بررسی و صحت و اعتبار و تواتر آنها را اثبات نموده.[مجلة جامعة الاسلامیة سال 12 شماره 45 ص323 و مقاله او عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج2 ص465 میباشد.]10 ــ «أحادیث و کلمات حول الامام المنتظر».سید عبداللّه (معاصر).چاپ 1409 هـ انتشارات الهدایة الاسلامیة دبی در 168 صفحه رقعی.[کتابنامه حضرت مهدی، شماره93]11 ــ «الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر».شیخ حمود بن عبداللّه حمود تویجری (معاصر).چاپ اول 1403 در عربستان سعودی و چاپ دوم در 424 صفحه وزیری وسیله کتابخانه دارالعلیان الحدیثه، برید ریاض.این کتاب در ردّ بر «لا مهدی منتظر بعد الرسول سید البشر» تألیف رئیس دادگاه قطر، شیخ عبداللّه بن زید بن محمود که در انکار مهدویت خلاصه، و چاپ شده می باشد.12 ــ «أحوال صاحب الزمان» (فارسی).محمد بن مؤید جوینی مشهور به سعدالدین حموی(650) ــ پدر مؤلف «فرائد السمطین فی...» ــوی خراسانی و نخست مقیم قاسیون دمشق بود و از آن پس به خراسان بازگشت و در خراسان بدرود حیات گفت.این کتاب بیانگر 60 حدیث پیرامون سیره، غیبت و ظهور حضرت بقیة اللّه(عج) میباشد، و در «مرآة الاسرار» جامی بعنوان «رسالة فی المهدی المنتظر» ذکر شده.[الانسان الکامل عزیزالدین نسفی، شاگرد مؤلف، چاپ تهران 320ــ321; کتابنامه حضرت مهدی شماره66]13 ــ «أحوال مهدی آخر الزمان» (فارسی).علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی(975).شامل 60 حدیث پیرامون ظهور و علائم ظهور همراه با ترجمه فارسی. نسخه خطی آن در چهار فصل تنظیم و در نعت و نسب و کرامات و نشانه های ظهور و اوضاع جهان در عصر ظهور خلاصه شده. دو نسخه خطی آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم ضمن مجموعه های شماره 524 و 9215 موجود است و نسخه ای هم در کتابخانه گنج بخش پاکستان ضمن مجموعه 812.14 ــ «أخبار الدولة فی ظهور المهدی».أحمد بن ابراهیم بن جزار قیروانی(400).وی طبیب آفریقائی بود که دهها اثر تألیفی بجای گذارده و بسال 400 در اندلس کشته شد.[هدیة العارفین 1/70]15 ــ «أخبار المهدی» یا «أخبار المهدی المنتظر».عباد بن یعقوب رواجنی أسدی.از شیوخ بخاری و دیگر محدثین همردیف او (أمثال ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزار ابن خزیمه) بوده و ارباب رجال و حدیث شناسان همه وثاقت و صداقت او را مورد تأکید قرار داده اند، اما بخاطر شدت محبّتش به خاندان رسالت همواره هدف هجوم دشمنان اهل بیت قرار می گرفت.ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم نیشابوری و أبوحاتم، نقل از ابن خزیمه نموده که گفت از رواجنی شنیدم که می گفت:هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد(صلی الله علیه وآله) بیزاری نجوید با آنها محشور خواهد شد.[میزان الاعتدال 2/379; سیر أعلام النبلاء 11/537]سمعانی پس از تصریح باینکه رواجنی از مشایخ بخاری بوده از او انتقاد می کند که چرا از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: «إذا رأیتم معاویة علی منبری فاقتلوه» یعنی وقتی معاویه را بر فراز منبر من دیدید او را بکشید.و چرا از ابوبکر روایت نموده که به خالد بن ولید دستور داده بود امیرمؤمنان را بکشد سپس پشیمان شد و گفت: «لا تفعل ما أمرتک» یعنی آنچه را به تو دستور دادم انجام نده. (انساب سمعانی 6/170)بدین ترتیب با سنّی بودن رواجنی ــ همچنانکه بسیاری از بزرگان رجالیون، امثال شیخ طوسی (فهرست ص149) سروی (معالم العلماء ص88) ابن داود (رجال ص292) بدان تصریح کرده اند ــ وی نخستین عالم اهل تسنن بوده که درباره حضرت مهدی کتاب نوشته است.جالب توجه آنکه رواجنی در سنه 250 هجری در گذشته و قبل از ولادت حضرت مهدی(علیه السلام)ــ در سنه 255 هـ ــ کتاب «أخبار المهدی» را تنظیم و تألیف نموده.جالب تر آنکه بنوشته ذهبی (میزان الاعتدال 2/379) رواجنی شمشیری بالای سرش آویخته بود و چون از او سئوال شد: این شمشیر برای چیست؟در پاسخ گفت: آنرا آماده کرده ام که با آن همراه حضرت مهدی (با دشمنان) مقاتله و کشتار نمایم.توضیحاً شیخ طوسی از کتاب او «أخبار المهدی» تعبیر نموده ولی زرکلی (الأعلام 3/258) «أخبار المهدی المنتظر» نوشته است.16 ــ «أخبار المهدی».بدرالدین، حسن بن محمد صالح نابلسی حنبلی(722).ابن حجر در «الدرر و الکامنه» (2/121) نویسد نسخه اینکتاب را بخط مؤلف مشاهده نموده و مؤلف در تألیف آن تلاش فراوان ارائه داده.[هدیة العارفین 1/773; أعلام زرکلی 5/17; مجله تراثنا شماره1 سال اول مقاله علامه سید عبد العزیز طباطبائی]17 ــ «أخبار المهدیه».أبوبکر صنهاجی پاریسی(1928).چاپ استان در 528 صفحه.[در جستجوی قائم ص26]18 ــ «الاذاعة لما کان و ما یکون بین یدی الساعة».سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری(1307).چاپ مؤسسه سعودیه مصر 1379، و عینًا مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص 67 ــ 108.19 ــ «الأربعون حدیثاً فی المهدی».حافظ ابونعیم اصفهانی(430).مندرج در «عرف الوردی فی أخبار المهدی» سیوطی و در «کشف الغمة» اربلی ج3 و «بحار الأنوار» علامه مجلسی 51/78ــ85.20 ــ «الأربعون حدیثاً فی المهدی».حافظ ابوالعلاء همدانی، محمد بن عطار(569).[ذخایر العقبی طبرانی ص136]21 ــ «الأربعون حدیثاً فی المهدی».سراج الدین محدث بغدادی از اعلام قرن ششم هـ.[اهل البیت فی المکتبة العربیة علامه طباطبائی شماره 46 ص 32 بنقل از «جامع الاسرار عاملی از اعلام قرن 8»]22 ــ «إرتقاء الغرف».شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی(902).[المقاصد الحسنه مؤلف ص 509، ذیل «المهدی» بشماره حدیث 7 و 12; کشف الخفاء عجلونی 2/288; مقاله شیخ عبدالمحسن عباد در ردّ قاضی قطر، مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/463 به نقل از دو کتاب فوق]23 ــ «ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی».مرعی بن یوسف کرمی مقدسی(1033).نسخه خطی آن در پتنه هند موجود میباشد.[کتابنامه حضرت مهدی آقای مهدی پور ص 77ـ78]24 ــ «الاشاعة لأشراط الساعة».تألیف محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (1103).چاپ 1370 قاهره، مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة».25 ــ «اشراط الساعة».أبومحمد، عبدالغنی بن عبدالواحد مقدّسی جماعیلی حنفی(600).متولد جماعیل از توابع نابلس.[النجوم الزاهرة 6/185]26 ــ «اشراط الساعة».شیخ أحمد بن فقیه شافعی.[ایضاح المکنون 1/86]27 ــ «اشراط الساعة».شیخ یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل.چاپ سوم 1414 هـ، از انتشارات ابن جوزی دمّام عربستان در 484 صفحه وزیری.28 ــ «اشراط الساعة الصغری و الکبری».شیخ امین حاج محمد احمد معاصر و استاد دانشگاه ام القری در مکه معظمه.چاپ اول 1412 دار المطبوعات الحدیثه جده عربستان در 148 صفحه وزیری.29 ــ «اشراط الساعة و أسرارها».شیخ محمد سلامة جبر از علمای اهل سنّت و مقیم کویت است.چاپ اول بسال 1401 از طرف شرکت الشعاع کویت و برای دومین بار بسال 1413 دارالسلام، بیروت، در 143 صفحه وزیری.این کتاب پیرامون علائم ظهور، خروج دجّال، نزول حضرت عیسی، خروج یأجوج و مأجوج، طلوع شمس از مغرب و دیگر نشانه های ظهور حضرت مهدی خلاصه شده.30 ــ «اشراط الساعة و خروج المهدی».علی بن محمد میلی جمالی تونسی مالکی(1248).نسخه خطی آن در دارالکتب المصریه موجود است و مؤلف هم مقیم مصر بوده.[هدیة العارفین ص 773; أعلام زرکلی 5/17]31 ــ «الاعلان بما اخبر به النبیّ من احوال هذا الزمان».محمد ترمترمی بن محمد بن صدیق غماریچاپ 1350 مطبعه مهدیه تالوان ترکیه 33 صفحه[دلیل 1/485 کتابنامه حضرت مهدی(علیه السلام) ص 89 شماره 168]32 ــ «إقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان».أبوالفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی غماری (1380).چاپ عالم الکتب بیروت.33 ــ «إقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان» (اردو).ترجمه کتاب غماری فوق، که مؤلف خود در صفحه اول مقدمه کتاب «المهدی المنتظر» بدان تصریح نموده، اما بدون ذکر نام مترجم.34 ــ «إقامة البرهان فی الرد علی من أنکر خروج المهدی و الدجال و نزول المسیح فی آخر الزمان».حمود بن عبداللّه تویجری(معاصر). چ 1405 مکتبة المعارف ریاض،.35 ــ «امارات الساعة».شاه رفیع الدین، فرزند شاه ولی اللّه دهلوی.این مقاله ضمن مجله «المنصور» شماره 19 ص 41 ببعد بسال1412 در لاهور انتشار یافته.[کتابنامه حضرت مهدی ص 95]36 ــ «امام منتظر» ـ ترجمه عقیدة اهل السنة والاثر شیخ عبدالمحسن عبادـبقلم مولانا شیخ مسرور حسن[کتابنامه حضرت مهدی(علیه السلام) ص 105 شماره 213]37 ــ «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان».جلال الدین عبدالرحمن سیوطی(911).[هدیة العارفین ج1 ص536 سطر 20]38 ــ «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان».علاءالدین علی بن حسام الدین مشهوربه متقی هندی جنپوری (975)چاپ 1398 هجری با تحقیق آقای علی اکبر غفاری، نشر شرکت رضوان تهران و چاپ دوم بسال 1408هجری، ذات السلاسل کویت در دوجلد با تحقیق جاسم بن مهلهل یاسین[دلیل 1/486]39 ــ «بقیة اللّه خیر بعد الفناء فی السیر».عبدالغنی بن اسماعیل حنفی نقشبندی نابلسی دمشقی(1143).[ایضاح المکنون 1/191]40 ــ «البیانات» (اردو).ابوالأعلی مودودی(1400).این کتاب در پنج جلد پاسخگوی پرسشهای اقطار مناطق اسلامی است و بخشی از آن ویژه پرسش از شئون حضرت مهدی میباشد و مجموعاً چاپ و در پاکستان انتشار یافته، و پیرامون صحّت احادیث مهدی تأکید نموده.41 ــ «البیانات» (ترجمه ترکی)ابوالأعلی مودودی(1400).بخش حضرت مهدی آن در ایام در گذشت مودودی بقلم آقای علی اکبر مهدی پور بزبان ترکی استانبولی ترجمه، چاپ و منتشر گردیده.42 ــ «البیانات» (ترجمه عربی)ابوالأعلی مودودی (1400).نیز بخش ویژه حضرت مهدی این کتاب وسیله محمد حدّاد عاصم به عربی ترجمه و بنام «علامات المهدی» در مجله «المنصور» شماره 19 ص 36ــ48 در لاهور چاپ و منتشر شده.[کتابنامه حضرت مهدی، آقای مهدی پور ص 189ــ190 و ص 527]43 ــ «البیان فی أخبار صاحب الزمان».ابوعبداللّه محمد بن یوسف گنجی شافعی(658).چاپ نجف ضمیمه «کفایة الطالب» مؤلف و چاپ تبریز ضمیمه «غیبت شیخ طوسی» و نیز در بیروت، اصفهان و قم چاپ شده.44 ــ «بین یدی الساعة».دکتر عبدالباقی احمد محمد سلامة.چاپ مکتبة المعارف ریاض در 182 صفحه وزیری.45 ــ «تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر».محمد بن عبدالعزیز بن مانع نجدی حجازی(1358).نسخه آن در دارالکتب مصر و نیز در دارالکتاب نجف موجود میباشد.[فهرست کتابهای جمع آوری شده در دار الکتب از سال 1936 تا 1955 م 1/127 و مقاله شیخ عبدالمحسن بن عباد در مجله دانشگاه مدینه، عدد اول سال 12 شماره 45 ص 310 و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/452]46 ــ «تحذیر الاخوان من ادّعاء المهدیّة آخر الزمان» (عربی).شیخ عثمان بن فودی(1817م).نسخه خطّی این کتاب در کتابخانه دانشگاه «بایرو» در نیجریه موجود است.[أخبار التراث العربی شماره 23 ص 5; کتابنامه آقای مهدی پور ص 217]47 ــ «تحقیق ظهور المهدی».احمد بن عبداللطیف بربیر دمیاطی (1228)،نسخه مخطوط آن در هفت ورقه بخط محمد بن علی بن محمد محموده صفدی مورخه 1232 در آخر مجموعه شماره 234 کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است.[فهرست مجموعه های کتابخانه ظاهریه 2/52]48 ــ «تعلیق علی محاضرة «عقیدة اهل السنّة و الاثر... شیخ عبدالمحسن عباد»».شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز که مفتی أعظم دربار عربستان سعودی بود.این مقاله بدنبال «عقیدة اهل السنة» مؤکّداً اعتراف به صحت و تواتر أحادیث مهدی منتظر نموده و متن آن در آخر «الامام المهدی عند أهل السنّة» مندرج است.49 ــ «تلخیص البیان فی أخبار مهدی آخر الزمان».علی بن حسام الدین متقی هندی(975).چاپ 1401 هـ دار التبلیغ اسلامی قم، 22 صفحه وزیری با تحقیق دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور.جهت آگاهی بر وجود بیش از بیست نسخه خطی آن در کتابخانه های جهان رجوع شود به مقاله «اهل البیت فی المکتبة العربیة» علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی در مجله «تراثنا» شماره سوم سال اول 1406.[ایضاح المکنون 1/318; هدیة العارفین 1/746]50 ــ «تلخیص البیان فی علامات مهدیّ آخر الزمان».شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا حنفی، شیخ الاسلام و مفتی قسطنطنیه(940).(هدیة العارفین 1/141)51 ــ «تنبیه الوسنان إلی أخبار مهدی آخرالزمان».أحمد نوبی(1037).[معجم المؤلفین کحاله 2/197; به نقل از نسخه آلمانی تاریخ الأدب العربی بروکلمن 2/385 و 520]52 ــ «تنویر الرجال فی ظهور المهدی و الدّجال».رشید الراشد تاذفی حلبی(معاصر).چاپ شده.[المهدی المنتظر محمد حسن آل یس 33]53 ــ «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدّجال و المسیح».محمد بن علی شوکانی صنعانی(1250).[بدر الطالع مؤلف ــ ذیل شرح حال خودش 2/222 ــ ; الاذاعه... ص 113; غایة المأمول 5/327; فهرس الفهارس ص 409; عقیدة أهل السنّة و الاثر شیخ عبدالمحسن عبّاد]این کتاب بیانگر چگونگی تواتر و قطعیّ الصدور بودن أحادیث پیرامون حضرت مهدی(علیه السلام) است و استاد ناصر الدین در مقاله «حول المهدی» بنقل از کتاب فوق مینویسد احادیثی که در پیرامون حضرت مهدی بدست ما رسیده و می توان بر آن اعتماد و استناد نمود پنجاه حدیث می باشد که برخی صحیح، برخی حسن، و برخی دیگر ضعیفِ ترمیم شده میباشد و آنها بدون شک و تردید به حد تواتر رسیده است، و عنوان تواتر بر طبق همه ضوابطی که در کتابهای پایه نوشته شده بر کمتر از آن صدق میکند...»[مجلة التمدن الاسلام، شماره 27 ـ 28 سال 22 ص 646]و گویا این کتاب چاپ شده باشد ولی اطلاعی از مشخصات آن بدست نیامد.54 ــ «ثلاثة ینتظرهم العالم: عیسی، الدّجال و المهدی المنتظر».شیخ عبداللطیف عاشور(معاصر).چاپ 1406، انتشارات ساعی ریاض و انتشارات قران قاهره، 144 صفحه وزیری.55 ــ «جزء فی ذکر المهدی».ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی(774).[نهایه مؤلف ص 130]56 ــ «جزء فی المهدی».أبوحسین، أحمد بن جعفر بن محمد عبداللّه بغدادی معروف به ابن منادی(336).این کتاب بدست ابن حجر عسقلانی رسیده و او بخشی از آنرا در کتاب «فتح الباری (شرح صحیح بخاری)» آورده، و از جمله در ج 13 ص 213، و ابن منادی را کتاب دیگری باشد بنام «الملاحم».57 ــ «جزء فی ما ورد فی المهدی».ابن حجر.[فهرس الفهارس و الاثبات ص 339]58 ــ «جمع الأحادیث الواردة فی المهدی».حافظ أبوبکر بن خیثمه، أحمد بن زهیر بن حرب نسائی(279).وی شاگرد أحمد حنبل، و مؤلف کتاب «تاریخ الکبیر» بوده است که خطیب بغدادی و دارقطنی درباره آن گفته اند: هرگز کتابی پرفائده تر از کتاب تاریخ ابن خیثمه سراغ نداریم.[تاریخ بغداد 4/163; الأعلام زرکلی 1/128]59 ــ «جمع طرق أحادیث المهدی».ابن عراقی ولی الدین ابوزرعه، احمد بن عبدالرحیم بن حسین کردی رازیانی مصری شافعی(826).[ذیل تذکرة الحفاظ ذهبی ــ از ابن فهد مکّی ــ ص 288; الضوء اللامع سخاوی 336 ــ 334، مقاله «الردّ علی من کذب بالأحادیث المهدی» شیخ عبدالمحسن عباد]بنوشته «النجوم الزاهرة» 5/118، او در سنه 824 به سمت قاضی القضاة مصر منصوب گردید و در سنه 826 در گذشت.60 ــ «الجواب المقنع المحرر، فی أخبار عیسی و المهدی المنتظر».محمد حبیب اللّه شنقیطی(1363 هـ).این کتاب بنوشته خود مؤلف ــ در کتاب دیگرش «زاد المسلم» 2/41 ــ در ردّ بر ابن خلدون تألیف، و در چهار بخش زیر خلاصه شده است:1 ــ مقدمه بیانگر تواتر أحادیث حضرت مهدی.2 ــ فصل اول در بیان أحادیث ویژگیها و اوصاف آن حضرت.3 ــ فصل دوم پیرامون نزول حضرت عیسی و اجتماع او با حضرت مهدی.4 ــ خاتمه در بیان خروج دجّال و پیدایش مهدی های ادعائی و دروغین.مؤلف در مراکش، مدینه، مکه و قاهره بسر میبرده و در دانشگاه الازهر مصر تدریس نموده و در قاهره درگذشته.[کتابنامه حضرت مهدی ص276ــ277]61 ــ «چاغین بکلد (یغی انسان مهدی)» (ترکی استانبولی).عادل گوک بورون(معاصر).چاپ دوم انتشارات تک یول، استانبول، 77 صفحه رقعی.این کتاب که با مقدمه ای از آقای مصطفی گنج انتشار یافته از غیبت، ظهور، علائم ظهور، نسب و محل ظهور حضرت، و خروج دجّال سخن رفته است.[کتابنامه حضرت مهدی ص281]62 ــ «حاشیة علی «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ــ ابن حجر مکی(973) ــ».بقلم رضی الدین بن عبد الرحمان بن أحمد بن حجر(نوه مؤلف) (1041).[ایضاح المکنون 2/42; هدیة العارفین 1/369]63 ــ «حقیقة الخبر عن المهدی المنتظر من الکتاب و السنة».صلاح الدین عبد الحمید هادی(معاصر).چاپ اول 1980 م، کتابخانه تاج، طنطا، مصر، 96 صفحه.64 ــ «ختم النبوة و ظهور المهدی».ابوالأعلی مودودی(1400).چاپ 1399 هـ لاهور پاکستان.[کتابنامه آقای علی اکبر مهدی پور ص316]65 ــ «الدرّ المنضود فی ذکر المهدی الموعود».سید صدیق حسن بن اولاد حسن بن اولاد علی قنوجی.نسخه خطی آن بخط مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو هند بشماره 311 طبق نقل فهرست آن بشماره 97 موجود است[اهل البیت فی المکتبة العربیة، علامه طباطبائی شماره 305]66 ــ «ذکر المهدی الذی یکون فی آخر الزمان».ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی(774).این موضوع در کتاب «النهایة، أو الفتن و الملاحم» مؤلف ص 24 تا 32 درج و چاپ شده، نیز عیناً در ج 2 «الامام المهدی عند أهل السنّة» هم مندرج گردیده.67 ــ «ذکر المهدی و نعوته و حقیقة مخرجه و ثبوته».حافظ أبونعیم أحمد بن عبدالله اصفهانی(430).این کتاب مشتمل بر 156 حدیث در شئون مختلف امام مهدی منتظر(علیه السلام) است که سید بن طاووس فهرست ابواب آنرا و تعداد روایات هر بابی را در «طرائف» (ص 183) ایراد نموده و در دیگر کتابهای خود هم از آن نقل حدیث فرموده.نیز علامه تهرانی در «الذریعه» (ج 10 ص 38) آن را بدینگونه ذکر کرده; و در «هدیة العارفین» (5/75) بعنوان «کتاب المهدی» مطرح شده.68 ــ «الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدی الموعود جاء و مضی».علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی جونپوری (975)این کتاب در رد محمد بن یوسف جونپوری (متولد 847، متوفای 910) مدعی دروغین مهدویت است در سنه 901 و 903نسخه خطی آن مؤرخه 990 ضمن مجموعه شماره 1514 مکتبه رضا رامپور در هند است و نسخه دیگرش بتاریخ قرن یازدهم شماره 1975 بشرح مندرج در فهرستش 2/460.[اهل البیت فی المکتبة العربیه علامه طباطبائی، بشماره 329]69 ــ «الردّ علی من حکم و قضی أن المهدی الموعود جاء و مضی».نورالدین علی بن محمد هروی حنفی، معروف به ملا علی قاری(1014).نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ناصریه لکهنو است و نسخه دیگرش در مکتبة الامام امیرالمؤمنین نجف.[مجله تراثنا شماره 10 مقاله علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی]70 ــ «الردّ علی من کذّب بالأحادیث المهدی».مقاله مفصلی است از شیخ عبدالمحسن بن عباد، عضو هیئت تدریسی دانشگاه مدینه که در رد رساله «لا مهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر» از شیخ ابن محمود رئیس محاکم شرعی قطر نگاشته، و در مجله دانشگاه مدینه بشماره های 45ــ46 بچاپ رسیده و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/437 مندرج شده و به ضمیمه مقاله دیگرش ــ عقیدة اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر ــ بسال 1402 در چاپخانه الرشید مدینه در 224 صفحه چاپ و منتشر گردیده.جهت شرح حالش مراجعه شود به «کتابنامه حضرت مهدی» آقای مهدی پور ص 390.71 ــ «رسالة فی الأحادیث القاضیة بخروج المهدی و انه...».محمد بن اسماعیل امیریمانی صنعانی(751).[الاذاعه ص 114]72 ــ «رسالة فی تحقیق ظهور المهدی».أحمد بن عبداللطیف بربیر دمیاطی شافعی(1226/1228/1229).نسخه خطی آن در ضمن مجموعه شماره 234 کتابخانه ظاهریه شام موجود است و دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی به شماره های 1930 و 2330 موجود میباشد. [کتابنامه آقای مهدی پور شماره 948 و 1055]73 ــ «رسالة فی حق المهدی».نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی مشهور به ملا علی قاری(1014).نسخه مخطوط آن در کتابخانه بلدیه اسکندریه مصر موجود است. و سه کتاب دیگر هم درباره حضرت مهدی از اوست بنامهای «الرد علی من حکم و قضی أن المهدی جاء و مضی»، «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» و «مهدی آل الرسول»، مراجعه شود.74 ــ «رسالة فی ردّ من انکر أنّ عیسی علیه السلام اذا نزل بصلّی خلف المهدی صلاة الصبح».جلال الدین سیوطی (911).این رساله بعنوان تنبیه در پایان رساله «الاعلام بحکم عیسی علیه السلام» که مندرج در الحاوی للفتاوی (ج 2 ص 297 چاپ 1378 مصر و ص 166 چاپ مصر بعد از آن) درج شده و نسخه خطی آن بشماره 59 در کتابخانه مسجد الحرام موجود است.75 ــ «رسالة فی المهدی المنتظر».از سعدالدین محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعدالدین حموی(650).(مرآة الأسرار جامی)76 ــ «رساله مهدیه» (فارسی).شاه نعمت الله ولی(834) قطب و بنیانگذار فرقه های صوفیه نعمت اللهی ایران، هند و پاکستان.این رساله ضمن جلد چهارم رساله های او ص 89ــ95 وسیله خانقاه نعمت اللهی تهران بسال 1343 چاپ و منتشر گردیده.و از مهدی منتظر بعنوان «مهدی، محمد بن عبدالله» نامبرده که به همین دلیل شکی در سنّی بودنش نیست.77 ــ «روض وردی فی أخبار المهدی».جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی مدنی، مفتی فرقه شافعیه مدینه منورّه درگذشته 1179 یا 1184 یا 1187.نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است.[سلک الدرر 2/9، هدیة العارفین 1/256، معجم المؤلفین 3/137، اعلام زرکلی 2/123، بروکلمن 2/384 اصل المانی، مجله تراثنا شماره 10، مقاله «أهل البیت فی المکتبة العربیة» علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی]78 ــ «سید البشر یتحدث عن المهدی المنتظر».شیخ حامد محمود محمد لیمود(معاصر).چاپ مطبه مدنی قاهره، با مقدمه شیخ حسنی مخلوف، مفتی سابق مصر و عضو جمعیت علمای بزرگ الأزهر.[کتابنامه حضرت مهدی 1116]79 ــ «شرح کتاب المهدی سنن ابی داود».ابن قیّم جوزیه(751).این کتاب ضمن «تهذیب السنن» ابی داود تشریح شده و در ذیل «عون المعبود» ج 11 ص 361ــ384 چاپ شده.[کتابنامه حضرت مهدی 1161]80 ــ «صاحب الزّمان».ابوالعنبس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی، قاضی صَیمره(275).بنوشته «أعلام» زرکلی (6/29) وی ادیبی ظریف و عالم به نحو و شاعری زبردست و از ندمای متوکل عباسی و معتمدین بنی العباس بود.و بنوشته ابن ندیم وی را کتابی است بنام «صاحب الزّمان» که بنظر آقای خرسان نخستین تألیف و مقدم بر همه تألیفات سنّی و شیعه درباره صاحب الزمان مهدی منتظر بوده، ولی رواجنی مؤلف «أخبار المهدی» و متوفای 250 مقدّم بر او بوده; هرچند متأسفانه امروز سرنخی از وجود آن در دست نیست.[فهرست ابن ندیم ص 223]81 ــ «صحیح اشراط اساعة».شیخ مصطفی ابونصر شلبی.چاپ 1413 هـ انتشارات سوادی، جدّه، 432 صفحه وزیری.82 ــ «الصحیح المسند من أحادیث الفتن والملاحم و اشراط الساعة».مصطفی عدوی(معاصر).چاپ 1412 دارالهجرة ریاض، 587 صفحه وزیری.83 ــ «صفة المهدی».حافظ ابونعیم اصفهان(430).یوسف بن یحیی مقدسی(685) در کتاب «عقد الدرر» ــ که در مصر، بیروت و ایران مکرر چاپ شده ــ تعداد 29 حدیث از این کتاب نقل کرده است.84 ــ «ظهور المهدی».جلال الدین سیوطی(911).دو نسخه از این کتاب به دو عنوان زیر در استانبول موجود است:1 ــ «رسالة فی ظهور المهدی» کتابخانه سلیمانیه، بخش رشید افندی، ضمن مجموعه شماره 88383.2 ــ «رسالة ظهورات المهدی» همان محل، بخش قصیده چی زاده، ضمن مجموعه شماره 68180.[کتابنامه حضرت مهدی 1243]85 ــ «العرف الوردی فی أخبار المهدی».مشتمل بر «أربعین» حافظ ابونعیم اصفهانی درباره مهدی منتظر و چند برابر آن أحادیث اضافی پیرامون شئون آنحضرت از جلال الدین عبدالرحمن سیوطی(911); چاپ مصر; ضمن «الحاوی للفتاوی» وی; ج 2 ص 123ــ166 و ج 2 ص 57 ــ76 چاپ دارالکتب العلمیه بیروت 1395 و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج 2.86 ــ «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (ترجمه ترکی کتاب قبل).مترجم مشرّف گوزجو(معاصر).چاپ 1986م انتشارات شفق مانیسا، ترکیه.87 ــ «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (نیز ترجمه ترکی کتاب سیوطی).مترجم محمود چلبی.نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش قلیج علی پاشا، ضمن مجموعه 68997 موجود است.[کتابنامه حضرت مهدی شماره 1256]88 ــ «العرف الوردی فی دلائل المهدی».ابوالفضل، عبدالرحمن بن مصطفی یمنی حضرمی شافعی اشعری نقشبندی مقیم مصر(1192).نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی برلن بشماره 2733 موجود است.[هدیة العارفین 1/544; مجله تراثنا شماره 16 مقاله آقای سیّد عبدالعزیز طباطبائی]89 ــ «العطر الوردی، شرح قصیده «القطر الشهدی، فی اوصاف المهدی ــ شماره 52 ــ»».شیخ محمد بلبیسی شافعی(1312هـ).چاپ 1308 بولاق مصر ضمن مجموعه ناظم قصیده و دیگر چاپها و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج 2.90 ــ «عقد الجواهر و الدرر فی علامات ظهور المهدی المنتظر».تألیف ابن حجر.به نقل دکتر عبدالله جبوری در تعلیقات خود بر «غریب الحدیث» ابن قتیبه 1/117 (در رابطه با نقل ابن قتیبه حدیث علی(علیه السلام) را پیرامون بودن مهدی منتظر از فرزندان حسین) اما بدون تصریح باینکه ابن حجر عسقلانی است یا هیثمی و اینکه نسخه خطی آن در کجاست.[مجله تراثنا شماره 16 ص 21ــ22]91 ــ «عقد الدرر فی أخبار الامام المنتظر».جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسی شافعی دمشقی(685).چاپ 1399 مکتبة خانجی مصر با تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد حلو، و از آن پس بسال 1400 در تهران افست گردیده و بسال 1403 هم در بیروت تجدید چاپ شده و در مرحله چهارم نیز بسال 1403 در دانشگاه ابن سعود در ریاض و برای پنجمین بار سنه 1405 وسیله مکتبة المنار زرقاء اردن و بعداً در سنه 1416 وسیله مسجد جمکران قم تجدید چاپ شد.92 ــ «عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر».أحمد بن زینی دحلان(1304).نسخه مخطوط این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود در حجاز موجود است و تاریخ کتابت آن 1304 هـ میباشد.93 ــ «عقود الدرر فی شأن المهدی المنتظر».نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکی در مکه مکرمه بشماره 30، بخش دهلوی 4/198، فهرست مخطوط کتابخانه ص 141; اما از نام مؤلف اطلاعی بدست نیامد.[مجلة تراثنا شماره 16 ص 78]94 ــ «عقیدة المسیح الدجال».سعید ایوب(معاصر).حدود یک سوم آخر این کتاب ویژه بحث درباره حضرت مهدی و دفاع از عقیده بدان حضرت است. نخست بسال 1409 در قاهره چاپ شده سپس بسال 1411 در بیروت و بعداً در قم.95 ــ «عقیدة اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر».مقاله (متن محاضره علمی) شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه است در سنه 1388 که ضمن مجله دانشگاه بشماره 3 سال اول درج و انتشار یافته، و نیز مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» آخر ج 2 میباشد; جهت دیگر خصوصیات رجوع شود به «کتابنامه حضرت مهدی» ص 517.96 ــ «علائم ظهور» (فارسی).علی بن حسام الدین متّقی هندی(975).رساله مختصری است در علائم ظهور که احادیث مربوطه توسط متقی هندی بفارسی ترجمه شده. نسخه ای از آن در کتابخانه مسجد أعظم قم ضمن مجموعه شماره 636 با تاریخ کتابت آن در سنه 979 موجود است.97 ــ «علامات الساعة الصغری و الکبری».لیلی مبروک.دار المختار الاسلامی قاهره در 204 صفحه.98 ــ «علامات المهدی» یا «البرهان فی علامة مهدی آخرالزمان».جلال الدین عبدالرحمن سیوطی(911).نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکه بشماره 34 بخش دهلوی موجود است.[مقدمه علامه خرسان بر ینابیع المودة ص 14; مجله تراثنا شماره 2 و شماره 16/29]99 ــ «علامات المهدی المنتظر».أحمد بن حجر هیثمی مکی شافعی(974).چاپ نشریات مکتبة القرآن للطبع و النشر مصر.[مجله تراثنا شماره 16 ص 29]100 ــ «علامات مهدی منتظر»، ترکی،ترجمه «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر (974).بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوآت آروسان.چاپ اول 1985 م، انتشارات شفق، مانیسار ترکیه، 92 صفحه رقعی.101 ــ «علامات مهدی آخر الزمان»،ــ ترجمه ترکی استانبولی «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندیبقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوآت آروسان.چاپ 1986 م، انتشارات گونجه، استانبول، 95 صفحه جیبی.مترجم آن را «آخر زمان مهدی سی نین علامتلری» نامگذاری نموده102 ــ «عنقاء مغرب فی معرفة ختم الأولیاء و شمس المغرب».محی الدین ابن عربی(638).چاپ مصر (أعلام زرکلی 6/281)، و نسخه خطی آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم بشماره 4105 موجود میباشد.103 ــ «عون المعبودــ شرح سنن ابی داود ــ بخش کتاب المهدیــ».ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی (1329 هـ)چاپ مکتبة سلفیه مدینه منوره ج 11 ص 361 ــ 384، مندرج در کتاب «الامام المهدی عند اهل السنة».104 ــ «الفتح الربانی فی الردّ علی المهدی المغربی الوزانی».از حاج صالح بن مهنا الأزهری.چاپ مطبعه تقدم مصر 1327 در 80 صفحه.[معجم المطبوعات ص 1183]105 ــ «فتح المنان ــ شرح «قصیدة الفوز و الأمان» شیخ بهائی ــ».شهاب الدین أحمد بن عدوی دمشقی مشهور به منینی(1173).چاپ حدود 1220 قاهره، نیز ضمیمه «تلخیص کشکول شیخ بهائی» بطور مکرر از جمله بسال 1288 در قاهره تجدید چاپ شده.106 ــ «الفتوی فی مسألة المهدی المنتظر» (مقاله پیرامون پاسخ به سئوال).بقلم شیخ محمد منتصر کتانی در مجله رابطة العالم الاسلامی مکّه، در پاسخ به پرسش یک مسلمان کنیائی از تاریخ و محل ظهور و قیام حضرت مهدی نوشته، و مندرج در مقدمه علامه خرسان بر «البیان فی أخبار صاحب الزمان» گنجی چاپ 1399 بیروت ص 76ــ79 میباشد.نیز ترجمه فارسی آن مندرج در «مهدی انقلابی بزرگ» آقای مکارم شیرازی ص 146ــ155.و ترجمه لاتینش هم از مرکز اسلامی استانبول انتشار یافته.[در جستجوی قائم، کتاب شماره 258]107 ــ «فتاوی علماء العرب من اهل مکة المشرّفة، فی شأن المهدی الموعود فی آخر الزمان».این رساله بیانگر متون فتوائی چهارنفر از علمای سنی در اثبات مهدویت حضرت مهدی منتظر و ردّ منکرین او تا سر حدّ تکفیر و اعدام آنها می باشد که باب سیزدهم کتاب «البرهان فی علامات مهدیّ آخرالزمان» متقی هندی (متوفای 975) بذکر آن اختصاص یافته و در سنه 1399 در قم و دیگر محل ها چاپ شده است.108 ــ «فرائد فوائد الفکر فی إمام المهدی المنتظر».شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی(1033).[أعلام زرکلی 7/203; ایضاح المکنون 2/183; هدیة العارفین 2/427; مجله تراثنا شماره 17 ص 108ــ109 تعداد چهار نسخه خطی آن بقلم علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی معرفی شده]109 ــ «الفواصم عن الفتن القواصم» (در شرح حال مهدی منتظر).علی بن ابراهیم حلبی(1044).[سیرة الحلبیه مؤلف 1/227]110 ــ «قصیدة فی المهدی».محی الدین محمد بن علی طائی اندلسی معروف به ابن عربی(638).در 83 بیت است که با بیت:خلیلی إنی للشریعة حافظ و لکن لها سرٌّ علی عینه غطاآغاز و با بیت:و صاحب أبیات عظیم جلاله تتوجَّ بالجوزاء و انتعل السُّهاپایان میابد، و بدنبال آن فصلی باشد درباره زادگاه آن حضرت و نسب و محل سکونتش و آنچه مربوط به امر اوست.نسخه آن در دارالکتب ظاهریه دمشق بشماره 6824 ورقه 72ــ75 میباشد.[مجله تراثنا شماره 18 مقاله «اهل البیت فی المکتبة العربیة» ص 93]111 ــ «القطر الشهدی فی اوصاف المهدی» (منظومه لامیّه).شهاب الدین أحمد حلوانی شافعی(1308).این منظومه با شرحش بنام «العطر الوردی فی...» سنه 1308 در بولاق مصر بچاپ رسیده و بار دیگر بسال 1345 ضمیمه کتاب «فتح رب الأرباب» در مطبعه معاهد مصر چاپ آن تجدید شد.و عیناً با شرحش در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج 2 ص 109ــ153 مندرج و بسال 1402 چاپ شد.نیز مراجعه شود به «ایضاح المکنون» 2/234، هدیة العارفین 1/192، معجم المطبوعات 792 و 1642; و مجله تراثنا شماره 18 ص 94 مقاله علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی.112 ــ «القناعة فی ما تحصن الاحاطه به من اشراط الساعة»، حافظ ابوالخیر محمد بن عبدالرحمن سخاوی (902) چاپ 1406 مکتبة القران قاهره و مکتبة الساعی ریاض، 96 صفحه وزیری[الضوء اللامع مؤلف 8/18]113 ــ «القول الفصل فی المهدی المنتظر».شیخ عبداللّه حجاج.چاپ دار العلوم للطباعة مصر.114 ــ «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر».شهاب الدین أحمد بن حجر هیثمی مکی(974).[فتاوی الحدیثه مؤلف ص 31; فهرس الفهارس 1/251; الاشاعه برزنجی ص 90; و دیگر مصادر مربوطه فراون].توضیحاً علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی در مقاله «اهل البیت فی المکتبه العربیة» نشر مجله تراثنا شماره 18 ص 98ــ100 تعداد سی نسخه خطی آنرا با آدرس محل هریک معرفی نموده، نیز نوشته است در اسلامبول نسخه مکتبة بایزید از طریق تصویر با ترجمه آن به لغت ترکی و حروف لاتین چاپ شده.نیز بنوشته آقای مهدی پور وسیله مکتبة القران در قاهره در 88 صفحه وزیری بدون تاریخ چاپ شده، مقدمه این کتاب بیانگر صریح تواتر احادیث حضرت مهدی و فصل اولش شامل 63 حدیث از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و فصل دومش 39 حدیث از صحابه و فصل سومش 56 حدیث از تابعین میباشد.در پایان مباحث گوناگونی را در این زمینه مطرح و بررسی نموده که با تحقیقات مصطفی عاشور بر اساس دو نسخه دار الکتب قاهره چاپ و انتشار یافته است.بار دیگر توسط استاد محمد زینهم محمد تحقیق و در 109 صفحه در تاریخ 1407 از طرف دارالصحوة قاهره چاپ و منتشر گردیده.جهت آگاهی برمشخصات پنج نسخه خطی اضافه بر نسخ معرفی شده از جانب آقای طباطبائی مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی ص 579. وجهت آگاهی بر تلخیص و حاشیه بر آن وسیله نوادگان مؤلف به «حاشیه» و «مختصر القول» مراجعه شود.115 ــ «کتاب الغیبة».حافظ أحمد بن محمد بن سعید همدانی معروف به ابن عقده(333).مؤلف زیدی و مورد اعتماد اهل تسنن و مطرح شده در مصادر رجالی و حدیثی آنها، أمثال «تاریخ بغداد» خطیب 5/14ــ23، «تذکرة الحفاظ» ذهبی 3/839 شماره 820 است، همچنانکه نعمانی شیعی در مقدمه «کتاب الغیبة» خود از آن نام برده و بطور فراوان هم از آن نقل روایت میکند.116 ــ «کتاب فی الامام المهدی».أبوالعلاء، ادریس بن محمد بن ادریس فاسی عراقی(1183).[نظم المتناصر کتانی ص 226 شماره 289]117 ــ «کتاب المهدی».یکی از کتابها و بخش های جلد دوم «سنن المصطفی» ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی(257) است که ویژه احادیث مهدی منتظر و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج 1 ص 37 درج گردیده.118 ــ «مختصر الأخبار المشاعة فی الفتن و اشراط الساعة و أخبار المهدی».شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل(معاصر).چاپ 1405 مطابع الریاض عربستان سعودی در 449 صفحه.119 ــ «مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر ــ ابن حجر هیثمی ــ.رضی الدین بن عبدالرحمن، نواده مؤلف و در گذشته (1071).[هدیة العارفین 1/369]120 ــ «مرآة الفکر فی المهدی المنتظر».شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی(1033).[ایضاح المکنون 2/462; هدیة العارفین 2/427]121 ــ «مسألة فی الغیبة».قاضی عبدالجبار بن أحمد همدانی معتزلی(415).وی بفرمان صاحب بن عباد در محرم 367 به سمت قاضی القضاتی شهرهای ری، قزوین، ابهر، زنجان، قم، دماوند وسهروردمنصوب شد.نسخه خطی این رساله درکتابخانه واتیکان به شماره 1208 موجود است.[کتابنامه حضرت مهدی، ص 1641]122 ــ «مسئله مهدویت» (ترکی).اسماعیل حقی ازمیری حنفی(1330 هـ).این رساله بیانگر یک بحث کلامی پیرامون عقیده به مهدویت می باشد که در آن به بیست حدیث استناد شده و برخی از آنها مورد انتقاد قرار گرفته است.در مجله هفتگی «سبیل الرشاد» شماره 285 سال 13 بتاریخ 30 ربیع الاول 1332 هـ در عهد خلافت عثمانی در استانبول منتشر گردیده.مؤلف از اهالی مناستر، مقیم استانبول، واعظ مسجد ایاصوفیا و عضو مجلس سنا بود که در ذیحجه 1330 هـ در گذشت.[معجم المؤلفین 2/266; کتابنامه حضرت مهدی، ص 642]123 ــ «مشاهدة الآیات فی اشراط الساعة و ظهور الآیات».محمد بن مؤید حموینی (605)وی پدر مؤلف «فرائدالسمطین» ابراهیم بن محمد بوده که در کتاب نامبرده (ج 2 ص 308) آنرا دوباره از پدرش نقل کرده.124 ــ «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» یا «المورد الوردی فی حقیقة المهدی».نورالدین علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملاعلی قاری(1014)، صاحب «مرقاة فی شرح المشکوة».این کتاب در ردّ بر فرقه مهدیه هند ــ پیروان سید محمد جونپوری هندی ــ است و بیانگر شرح حال و علامات مفصل مهدی موعود اسلام از روی أحادیث صحیحه (همانند کتاب شماره 59).چاپ سنگی قدیم در اسلامبول و نیز چاپ مطبعه محمد شاهین در سنه 1278 هـ در قاهره.[تحفة إثنی عشریة دهلوی ص 45; الاذاعة ص 163; معجم المطبوعات 1794; مجله تراثنا شماره 20 بیانگر آدرس های پانزده نسخه خطی آن و مشخصات هریک می باشد.]125 ــ «مشرق الاکوان».سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی(1294).نسخه مخطوط آن در کتابخانه پرفسور عبدالباقی گلپنارلی در قونیه موجود می باشد.[الغدیر علامه امینی ج 1 ص 147، کتابنامه حضرت مهدی ص 648 بنقل از چند مورد از مندرجات ینابیع المودة او درباره حضرت مهدی]126 ــ «مناقب المهدی».حافظ أبونعیم اصفهانی(430).از نسخه آن اطلاعی بدست نیامد، اما حافظ گنجی شافعی در «البیان فی أخبار صاحب الزمان» تعداد پانزده حدیث، و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در «عقد الدرر» تعداد سیزده حدیث از آن نقل کرده اند.نیز کتابهای دیگر از مؤلف بنام «أربعون حدیثاً»، «صفة المهدی»، «کتاب المهدی» و «نعت المهدی»، در این مقال آورده ایم.127 ــ «المهدی» یا «رسالة فی المهدی».محمد بن اسحاق، صدرالدین قونوی صوفی شافعی(673).موجود در کتابخانه ایاصوفیا بشماره 4849.[فهرست تحلیلی کتب عربی منتشر شده در مصر از قنواتی بشماره 254 و الذریعه 23/290 بنقل از ارگین بشماره 198]128 ــ «المهدی».تألیف شمس الدین ابن قیّم جوزیه(751).[مقدمه ینابیع المودة بقلم علامه سید مهدی خرسان ص 18]129 ــ «مهدی آل الرسول».نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملا علی قاری(1014).نخستین چاپ آن در 40 صفحه جیبی بی تاریخ است.جهت آگاهی بر تعداد هشت نسخه خطی آن در کتابخانه های ترکیه مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی، ص 700.130 ــ «المُهدی إلی ما ورد فی المهدی».شمس الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون دمشقی صالحی حنفی(953).[الأئمة الاثنی عشر مؤلف، مندرج در الامام المهدی عند اهل سنة 2/403]131 ــ «المهدی» (رسالة فی...)»ملا احمد بن حیدر ماورانی ازقراء شقلاوه عراق شمالی (1070).نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه صلاح الدین در بخش شمال عراق بشماره 419/3 مذکور در فهرست چاپ شده آن در 1408، ص 288[اهل البیت فی المکتبة العربیة علامه طباطبائی شماره 78 ص 629]132 ــ «المهدی» (رسالة فی...)»ادریس بن محمد حمدون عراقی فاسی (1183)[فهرس الفهارس و الاثبات 2/199، الیواقیت الثمینة 1/96، سلوة الانفاس ص 141]133 ــ «المهدی» (رسالة فی...)»جعفر بن حسن بن عبدالکریم بن محمد بن عبدالرسول برزنجی مدنی (1187)[اهل البیت فی المکتبة العربیة علامه طباطبائی شماره 783]134 ــ «المهدی حقیقة لاخرافة».محمد بن أحمد بن اسماعیل (معاصر).چاپ چهارم کتابخانه تربیت اسلامی هلند در1411هـ در 240 صفحه.این کتاب مشتمل بر أحادیث مهدویت و بیانگر تواتر آنها، و صفات حضرت مهدی، راویان، ناقلان و مؤلفان درباره أحادیث مهدی منتظر، اعتراف دانشمندان و رد بر مهدیهای ادعائی دروغین، علائم ظهور و اشراط ساعت است که مؤلف از منابع دست اول و مورد اعتماد اهل تسنن آنرانگاشته، وخودهم ازعلمای سنّی است. و این کتاب را بسال 1400 در مصر تألیف نموده وبعنوان چهارمین دفعه نیز درمصر تجدید چاپ شده.[کتابنامه حضرت مهدی ص 704ــ705]135 ــ «المهدی المنتظر».ابراهیم مشوخیصادر شده از مطبوعات مکتبة المنار در اردن[اهل البیت فی المکتبة العربیة، شماره789 ص 631]136 ــ «المهدی المنتظر» (رسالة فی...)»شیخ عبدالحق بن سیف الدین بن سعدالله دهلوی حنفی بخاری(1052).[فهرس الفهارس و الاثبات، عبدالحیّ کتانی 2/125،کشف الأستار حاجی نوری ص 30]137 ــ «المهدی المنتظر».سید ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی غماری(1380) برادر مؤلف «ابراز الوهم المکنون فی ردّ ابن خلدون».مشتمل بر یکصد و دو حدیث بواسطه سی و سه نفر از صحابه و پنج نفر تابعین، در ردّ منکرین أحادیث مهدی و اثبات تواتر آن.چاپ عالم الکتب بیروت 1405هـ 1984 م.138 ــ «المهدی المنتظر بین الحقیقة و الخرافة».عبدالقادر احمد عطا.چاپ 1400 هـ دار العلوم للطباعة قاهره139 ــ «المهدی المنتظر فی المیزان».عبدالمعطی بن عبد المقصود.چ دار النشر للثقافة، اسکندریه مصر140 ــ «المهدی و اشراط الساعة».شیخ محمد علی صابونی.بار اول بسال 1401 هـ وسیله مکتبة الغزالی دمشق و بار دوم بسال 1410 هـ وسیله شرکة الشهاب الجزایر به چاپ رسید.141 ــ «المهدی و المهدویة فی الاسلام».عبدالرزاق بن رشید الحصّان(1384).[الأعلام زرکلی 3/352 بنقل از معجم المؤلفین العراقیین 2/259]142 ــ «المیمیه فی ظهور صاحب الزمان».محمدبن علی بن محمدطائی مشهوربه محی الدین ابن عربی (638).برخی از أشعارش را قندوزی در «ینابیع المودة» آورده است، و شرحش بنام «بیان الحق» از مؤلفین شیعه میباشد.143 ــ «نبذة من علامات المهدی».جلال الدین عبدالرحمن سیوطی(911).چندنسخه خطی ازین کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.[در جستجوی قائم ص 72 و 406]144 ــ «النّجم الثّاقب فی بیان أنّ المهدی من اولاد علیّ بن أبی طالب».شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی (1001).نسخه مخطوط آن ــ 78 صفحه ــ در کتابخانه لاله لی سلیمانیه اسلامبول بشماره 679 موجود است.و در تاریخ 1217 از طرف سلطان سلیم به کتابخانه یادشده اهداء گردیده است.ونسخه دیگرش در کتابخانه بیازید استانبول به شماره 2986 موجود میباشد و در 17 ذیقعده 997 در عهد مؤلف استنساخ گردید[کتابنامه حضرت مهدی ص 745 ــ 746]145 ــ «النزهة».ولی الله دهلوی، پدر عبدالعزیز مؤلف «تحفة الاثنی عشریة» (1172).[کشف الأستار حاجی نوری ص 34]146 ــ «نظرة فی أحادیث المهدی» (در قالب مقاله).شیخ محمد خضر حسین، استاد دانشکده اصول الدین مصر(1377).ضمن «مجلة الهدایة الاسلامیة» بسال 1369 و بعداً در «مجله التمدن الاسلامی» سوریه در محرم 1370 ضمن شماره های 35 و 36 چاپ و منتشر گردیده، نیز مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» 2/210 میباشد.147 ــ «نظریة الامامة».دکتر احمد محمود صبحی.شامل بحث امامت کلّی و از آن پس امامت حضرت مهدی و چگونگی بهره برداری از وجود آن حضرت.[در جستجوی قائم ص 73]148 ــ «النوافح القربیّة الکاشفة عن خصائص الذات المهدیة».قطب الدین مصطفی بن کمال الدین بکری دمشقی صوفی حنفی(1162).[هدیة العارفین 2/450; ایضاح المکنون 2/682]149 ــ «الوعاء المختوم فی السّرّ المکتوم، فی أخبار المهدی».محی الدین محمد بن علی عربی اندلسی(638).[هدیة العارفین 2/121]150 ــ «الوهم المکنون فی الرّد علی ابن خلدون».ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی.چاپ شده.[متن فتوائی شیخ محمدمنتصرکتانی، مفتی فقه اسلامی مکه، مندرج در آخر رساله «أحادیث المهدی من مسند أحمد حنبل» ص 163]151 ــ «الهدیة المهدویة» (بزبان اردو).ابوالرجاء محمد هندی حیدرآبادی(1290).در ردّ بر جونپوری مدّعی مهدویت، و اثبات مشخصات حضرت مهدی منتظر است از گاه ولادت تا پایان عمر از دیدگاه حدیث.[الاذاعة ص 91]152 ــ «الهدیة الندیّة للاُمة المحمّدیة، فیما جاء فی فضل الذات المهدیة»مؤلف کتاب النوافح القربیّه شماره 137[ایضاح المکنون 2/728; هدیة العارفین 2/450][الأعلام زرکلی 3/352 بنقل از معجم المؤلفین العراقیین 2/259]

مدعیان دروغین مهدویت و کسانیکه که بدروغ نسبت مهدویت بدانها داده شده

همانطوریکه کمابیش بنظر خوانندگان رسیده و مصادر تاریخی و غیرتاریخی بیانگر شرح تفصیلی آنست که از آغاز بنیانگذاری اسلام تاکنون پیوسته افرادی با فریب و آلت دست قراردادن گروههائی از عوام، از روی دشمنی به رویاروئی اسلام برخواسته و با قتل و غارت و هرج و مرج و اسارت و زندانی نمودن مسلمانان، و ضدیت با احکام اسلام و تکیه زدن بر کرسی ریاست، چند صباحی خودنمائی نموده و بالاخره به زباله دان تاریخ گسیل شده و می شوند و نمونه آنها ــ که خود آلت دست استعمارگران خارجی یهودی و مسیحی و عامل اجرائی اهداف شوم آنها بودند ــ رضا شاه پهلوی در ایران و کمال اتاترک در ترکیه و جمال عبدالناصر در مصر و صدام تکریتی در عراق و دیگران در دیگر مناطق مسلمان نشین بوده و می باشند.افرادی هم به هوای ریاست از طریق سوءاستفاده از احادیث مربوط به مهدی موعود و تحریف آنها و فریب دادن افراد ساده لوح زودباور را به دعوای مهدویت و مقام امامت برخاستند و بدون آنکه قیام انها نشانگر سرنخی از مقام امامت یا مقرون به کوچکترین علامت از علائم ظهور مهدی موعود باشد، یا کمترین درجه از برقراری قسط و عدل جهانی (مورد وعده پیامبر بدست حضرت مهدی) را ارائه دهند ــ بلکه مردم را دچار تفرقه و جدائی از اسلام کردند ــ چند روزی خود را به عنوان مهدی موعود منتظر جا اندازی و قلمداد نمودند، اما بالاخره مشت خیانت آنها هم بازشد و ادعای دروغین و بی محتوایشان کشف و آنها هم پس از چندی به زباله دان تاریخ رهسپار شدند.همچنانکه عده ای هم با زمینه سازی مرحله به مرحله مقام امامت و عنوان مهدی منتظر نخست دعوی بابیت از ناحیه مهدی حقیقی می کردند و همینکه افراد و گروههائی فریب خورده بدانها می گرویدند، دعوای مهدویت را مطرح و گسترش می دادند.افراد و گروههائی هم بر اثر برخورد به اخباریکه از ناحیه خبرگذاران صادق امین درباره مهدی موعود و اسلام بدانها رسیده بود و از نظر فراوانی بدان درجه برای آنان یقینی شده و دماغشان آماده برای پرورش اینگونه افکار گردیده بود، که بسا نسبت مهدویت را به کسی که او خود چنین دعوائی نداشت و از این دعوی بیزاری می جست می دادند.اکنون برای روشن شدن مطلب نام بعضی از مدعیان دروغین مهدویت یا غیر مدعیان مورد نسبت را بطور فهرست بنظر خوانندگان میرسانیم و علاقمندان به آگاهی بر مشخصات تفصیلی هریک را به مصادر مربوطه ارجاع میدهیم:1ــ امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) که فرقه سبائیّه، پیروان عبداللّه بن سبا (که بموجب اثر تألیفی علامه محقق عسکری اصل وجودش ساختگی و بدور از حقیقت و واقعیت بوده) حضرتش را مهدی خواندند و پنداشتند کشته نشده و تا آخر الزمان باقی است و خروج میکند [16] .2ــ محمد بن حنفیه، که فرقه کیسانیه پنداشتند وی بعد از حسین بن علی امام و همان مهدی موعود است و در کوه رضوی بسر میبرد و از آنجا ظهور و قیام نماید [17] ، بدون آنکه او چنین ادعائی کرده باشد.3ــ محمد بن عبداللّه محض بن حسن بن حسن بن علی، معروف به نفس زکیه که پاره ای از جارودیّه وی را مهدی دانسته و در سنه 145هـ از مدینه به مهدویت برخواست و بدسیسه منصور دوانیقی کشته شد [18] .4ــ ابوجعفر محمد بن عبداللّه فرزند منصور دوانیقی که خود منصور هم از روی رقابت با نفس زکیه مردم را دعوت به مهدویت او می کرد [19] .5ــ عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی که سعید بن مسیب قائل به مهدویت او شد [20] .6ــ ابومسلم خراسانی که پاره ای از فرقه «خرّمیه» پیروان اتابک خرّمی پنداشتند او همان کسی باشد که باید زمین را پر از عدل و داد کند و کشته شدنش را بدست منصور دوانیقی تکذیب نمودند و بانتظار ظهورش بسر می بردند [21] .7ــ امام جعفر بن محمد الصادق (امام ششم شیعیان) که ناووسیه معتقد به مهدویت آن حضرت شدند [22] ، اما اصل مقام امامت حضرتش را بدست فراموشی سپردند.8ــ محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین که جارودیه زیدیه به مهدویت او گرایش جستند و در ایام معتصم در طالقان قیام نمود و کشته شد و آنها پنداشتند کشته نشده و بعد از این ظهور خواهد کرد [23] .9ــ امام موسی بن جعفر (امام هفتم شیعیان) که فرقه واقفیه قائل به مهدویت آن حضرت شدند [24] .10ــ محمد بن علی عسکری، برادر امام حسن عسکری، که طایفه محمدیه بعد از وفات آن حضرت قائل به امامت و مهدویت وی گردیدند [25] .11ــ امام حسن عسکری (امام یازدهم شیعیان) که گروهی اعتقاد به مهدویت حضرتش پیدا کردند [26] .12ــ جعفر بن علی برادر دیگر امام حسن عسکری که عده ای قائل به امامت و مهدویت او گردیدند و خود نیز مدعی مهدویت بود [27] .13ــ عبداللّه بن معاویه بن عبداللّه جعفر بن ابی طالب که عده ای از مردم وی را مهدی دانسته و گفتند وی زنده است و در کوههای اصفهان بسر می برد و البته ظاهر خواهد شد، و او همان کسی بود که در ایام حکومت مروان بن محمد در فارس قیام کرد و ابومسلم پس از مدتی که او را زندانی کرده بود بکشت [28] .14ــ یحیی بن عمر از اعقاب زید بن علی که در ایام مستعین باللّه خلیفه عباسی سنه 259 در کوفه قیام کرد، پس او را کشتند و سرش را از تن جدا نمودند و بعض جارودیه قائل به مهدی منتظر بودن او بودند [29] .15ــ موسی بن طلحة بن عبداللّه که در زمان مختاربن ابی عبیده در بصره قیام کرد و عده ای بعنوان مهدویت بدو گرویدند [30] .16ــ عبداللّه مهدی بود که بنوشته قرمانی: خود را فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا ــ یعنی فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیانــ معرفی کرد.و بنوشته فخری بعنوان ابومحمد عبیداللّه بن احمد بن اسماعیل از اعقاب امام جعفر معرفی نمود.و بنوشته دیگران رشته نسبش غیر از دو رشته مذکور است و بطور خلاصه در اصل ارتباطش با سادات و بر فرض ثبوتش در چگونگی آن اختلاف شدید است.وی در سنه 297 هـ بعنوان مهدویت از افریقا بپا خواست و دولت فاطمیین را تشکیل داد که پس از گذشتن 270 سال منقرض گردید.هم او بود که شهر مهدیه را در یکی از سواحل تونس برقرار کرد و هم اکنون پرچم فرانسه برفراز آن در اهتزاز است [31] .17ــ محمد بن عبداللّه بن تومرت علوی حسنی معروف به مهدی هرغی از قبیله مصامده که در جبال اطلس مراکش سکونت داشتند، در سال 497 به مهدویت برخاست و تشکیل سلسله «الموحدین» را داد و بر اسپانیا استیلا و تسلط یافت [32] .18ــ الناصر لدین اللّه که از جمله خلفای عباسی و متولد حدود سنه 550 هـ بود، سبط ابن تعاویذی وی را بعنوان مهدی منتظر بودن بدین دوشعر ستوده:انت الامام المهدی لیس لنا امام حق سواک ینتظرتبدو لابصارنا خلاقاً لان یزعم ان الامام منتظر [33] .19ــ مردی به نام عباس فاطمی در پایان قرن هفتم بین 690 و 700 در میان غمازه خروج کرد و مدعی شد فاطمی منتظر است و جمعیت انبوهی از غمازه براو گرد آمدند و در پایان امر کشته شد [34] .20ــ شخصی که معروف به تویزری منسوب به تویزر از نحله صوفیه بود از رباط ماسه خروج کرد و مدعی مهدی فاطمی بودن شد و بسیاری از اهل سوس و غیره بدو گرویدند و کارش آنچنان بالا گرفت که سران مصامده ترسیدند و او را کشتند.این قضیه در آغاز قرن هشتم ـ در عصر سلطان یوسف بن یعقوب ــ بوقوع پیوست [35] .21ــ اسحاق سبتی زوی بود که در دوران سلطنت سلطان محمد چهارم از سلاطین عثمانی بسال 986 هـ به امر مهدویت قیام کرد و اصولا ترک و از اهالی ازمیر بود [36] .22ــ شخصی بود که در سنه 1219هـ در مصر قیام به مهدویت نمود و اصولا زاده طرابلس بود و طولی نکشید با لشکری که از فرانسه آمده بود بجنگید و با عده ای از هواخواهان خود کشته شد [37] .23ــ محمد احمد بود که در سال 1260 هـ در سودان قیام نمود و از قبیله دناقله در جزیره «نبت» مقابل «دنقلا» و بگفته بعضی در «حنک» متولد شده بود [38] .24ــ مردی بود که در رباط عباده دور او گرد آمدند و بعنوان فاطمی منتظر بودن دیگران را به مهدویت خود دعوت کرد و اصولا از نسل و نژاد پیامبر(صلی الله علیه وآله) بود [39] .25ــ احمد بن احمد کیال بود که نخست مردم را بمقام امامت خود دعوت کرد، سپس بعنوان مهدویت قیام نمود و طائفه کیالیه را تشکیل داد [40] .26ــ محمد مهدی سنوسی فرزند شیخ محمد سنوسی بود که در اواسط قرن نوزده مسیحی از مغرب زمین برخواست و قبل از مرگ با اشاره باینکه خود او مهدی منتظر نیست بلکه او از این پس خواهد آمد نفی مهدویت خویش نمود و شاید مقصودش از خبر آمدن بعد از این، قیام پسرش بود [41] .27ــ میرزا غلام احمد قادیانی بود که در اوائل قرن نوزده میلادی سنه 1826 از پنجاب هندوستان قیام کرد و با سیکهای آن سرزمین بر مبنای ادعای نبوت بجنگید و فرقه قادیانی را که هم اکنون دارای پیروانی در هند است تشکیل داد [42] .28ــ سید احمد پسر محمدباریلی بود که او را مهدی وهابی نیز گویند، تولدش بسال 1224 در یکی از شهرهای هندوستان به نام «بریلی» اتفاق افتاد، پس در خلال نیمه اول از سده سیزده از بین فرقه وهابی در هند قیام به نشر آن مذهب سخیف نمود و به عنوان یکی از اولاد امام حسن بن علی (امام دوم شیعیان) خود را شهرت داد سپس بر علیه هندوها و سیک های پنجاب هند اعلام جنگ نمود و با برافروخته شدن آتش جنگ مغلوب و کشته شد و بالاخره با تبلیغاتی که داشت و انتشار می داد زمینه برای قیام احمد قادیانی نامبرده مستعد و موجبات نفوذ برای وی بیشتر فراهم شد [43] .29ــ علی محمد شیرازی معروف به باب پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و متولد همان شهر بسال 1235 از زنی به نام خدیجه بود، وی از کمالات علمی و ادبی جز زبان فارسی که در شیراز نزد معلمی به نام شیخنا آموخته بود و مقدار کمی هم صرف و نحو خوانده بود بهره دیگری نداشت و بیشتر اهتمام در رشته ریاضت و انجام امور شاقّه به منظور تسخیر جن و روحانیّات داشت و بالاخره پس از مدتی بسر بردن در بندر بوشهر رفته رفته دچار خشکی دماغ و خستگی مغز گردید، پس از بوشهر به کربلا رفت و از تابعین شیخ احمد احسائی شد و با سید کاظم رشتی که از شاگردان و مروجین احسائی بود و در بافندگی و جاهم اندازی اباطیل و خرافات مهارتی بسزا داشت مصاحبت نمود [44] ، پس از فوت احسائی و سید کاظم رشتی به شاگرد دیگر احسائی حاج کریم خان (مؤسس فرقه ضاله شیخیه که عنوان رکن رابع بودن را مطرح نمود) بپیوست، و نخست به عنوان باب او و خلیفه الخلیفة سر برافراشت و چون آوازه اش بلند شد و قدری بر سر زبانها افتاد خود را به باب مهدی منتظر معرفی نمود.سپس دم از استقلال و مهدویت زد و چون متوجه شد به قول عوام «خر فراوان است» و مریدانی از خود جاهل تر و احمق تر به دورش گرد آمدند دعوای نبوت را مطرح نمود و بافته هایی را ــ به عنوان وحی الهی و آیات آسمانی که خالی از معنا و عاری از قانون ادب و محاوره و برخلاف منطق و در حقیقت بهترین سند حماقت و فساد عقلی او و پیروانش بود ــ انتشار داد و در پایان جنون او شدت یافت و هوس خدائی و الوهیت پیدا کرد که کتاب «البیان» وی بهترین شاهد و بیانگر کفریات اوست.توضیحا چون سیاست اجانب پشتیبانی از وی را مقتضی دید با نفوذی که در داخله مملکت ایران داشت موجبات تقویت و گسترش فساد او را با هزینه تبلیغاتی و جلوگیری از تعرض دیگران بر عهده گرفت تا انجا که با تحلیل هرگونه حرامی و آزادی در ارتکاب هرگونه بدعت و عمل نامشروع عده ای از عوام الناس و افراد سفله و بی بند و بار فریب او را خوردند و بدو پیوستند.در آغاز امر علما و روحانیون آن عصر بخاطر راه و رسم جنون آمیزی که از وی به نمایش درآمد از حکم به قتل او خودداری و استنکاف نمودند و چون هر روز شراره های فتنه او گسترش مییافت، بمنظور جلوگیری از شرّش و مصونیت مردم از آتش فتنه و بیراهه بری وی لازم دانستند حکم قتلش را صادر نمایند همچنانکه فتوی به کفر و نجس بودن بهائی ها و ممنوعیت ازدواج با آنها را صادر نمودند. از طرفی هم چون فتنه او مقام سلطنت را تهدید می کرد حکم قتلش عملا تأیید و با به دار آویختن و اعدامش معلوم شد او هم یکی از مهدی های دروغین بود که نخست بدست عوامل روس رشد و پرورش یافت و بعد از موجودیت او که کانون فساد از آب درآمد انگلیسی ها از وی بهره برداری نمودند و بالاخره ملیونها نفر مسلمان ضعیف و خوش باور را از اسلام و تشیع جدا کرده گرایش به کفر دادند [45] .آری متاسفانه ــ با اینکه بر اثر سقوط شاه طرفدار آنها و برقراری جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط سلطنت که یک بُعدش سوء استفاده هرچه بیشتر بهائی گری از قدرت آن بود بساط آزادی و رسمیت بهائی گری در ایران برچیده شد ــ هنوز این رشته باطل کم و بیش سر دراز دارد و از طریق عوام فریبی در گوشه و کنار بدین روش باطل کفر آمیز ادامه می دهند.و اما کسانی که در عصر ائمه اطهار علیهم السلام به دروغ مدعی بابیت و نیابت و سفارت از طرف حضرت بقیة اللّه محمد بن الحسن العسکری عج شدند، پس محدث عالیقدر شیعه شیخ طوسی تعداد هشت نفر را معرفی نموده که ما بخاطر اختصار به ذکر نام آنها بسنده کرده و خواستاران شرح حال تفصیلی آنها را به کتاب «الغیبة» محدث نامبرده ارجاع می دهیم:1ــ ابومحمد حسن معروف به شریعی از اصحاب امام هادی و امام عسکری بود که به دعوای بابیت از ناحیه حضرت مهدی برخواست و از آن ناحیه توقیع در لعن وی صادر گردید.2ــ محمد بن نصیر نمیری.3ــ احمد بن هلال کرخی.4ــ ابوطاهر محمد بن علی بن بلال.5ــ حسین بن منصور حلاج صوفی که ابوالقاسم بن روح یکی از وکلای امام زمان در عهد غیبت صغری به امر امام دستور مهدور الدم بودنش را صادر نمود، نیز بحکم علما تکفیر شد، اما در نظر صوفیه دست کمی از مقام نبوت نداشته و ندارد بلکه دعوای خدائی هم از وی سرزد و بالاخره محکوم به اعدام شد. [خیراتیه ج 1 ص 159 ــ 161]6ــ ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزاقر.7ــ ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری (نایب دوم از نواب اربعه حضرت مهدی).8ــ ابودلف ــ رفیق ابوبکر بغدادی ــ [46] .درپایان این مقال توجه خوانندگان را بدین نکته جلب و یادآور می شویم که از بررسی احوال نامبردگان و کسانی که پیروی از آنها می کردند یا مهدویت را به کسی که خود مدعی نبود نسبت می دادند معلوم و محقق میشود که اصل موضوع مهدویت در اسلام و عقیده به ظهور و قیام مهدی موعود و برقرار شدن انقلاب اسلامی جهانی و عدل و داد سراسری بدست او پدیده یک سلسله آیات شریفه قران و فرموده های پیامبر اکرم و بعضی از صحابه الهام گیرنده از ان حضرت است که مورد اتفاق سنی و شیعه می باشد، و بر اساس همین ایات و احادیث و پیشگوییها و هشدارها بود که مردم از باستان زمان آماده برای ظهور مهدی موعود منتظر و چشم براه او بوده اند و مهدی های دروغین و نواب های قلابی و ادعایی هم از این رهگذر سوء استفاده نموده و بعنوان مهدی و نایب مهدی قیام نموده و هردسته و گروهی فریب یکی از اینها را خورده و به پیروی و ترویجش می شتافتندپس اگر عنوان مهدویت اصالت اسلامی نداشت نه مدعیان دروغین می توانستند آن را مطرح ووسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند، و نه عوام و پیروان مهدی های ادعایی سرنخی در دست داشتند که بدانها معتقد و علاقمند شوند و از آنان پیروی نمایند.بطور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر (صلی الله علیه وآله) بود که فریب دهندگان آن را سرنخ دعوای مهدویت قرار دادند و فریب خوران هم آن را سرنخ گرایش به مهدی های ادعایی و دروغین قلمداد نمودند و کار هر دو دسته به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد.

کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب کند و دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده

از جمله فرموده های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در رابطه با مهدی منتظر و خروج آن حضرت این دو حدیث است که هریک بیانگر کفر کسی باشد که ظهور و خروج او را انکار یا حضرتش را تکذیب نماید:1ــ عن جابر بن عبداللّه قال قال رسول اللّه (ص): «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد...»2ــ «... و من کذّب المهدی فقد کفر»و اما مصادر نقل آنها پس بدین قرار است:1ــ «فوائد الاخبار»ابوبکر احمد بن محمد اسکافی یا اسکاف (260) به نقل مصادر مورد اشاره ذیل2ــ «جمع الاحادیث الوارده فی المهدی»حافظ ابوبکر بن خیثمه ــ احمد بن زهیر بن حرب نسائی (279) به نقل سید محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة...» ص 1373ــ «معانی الاخبار»ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی بخاری(380) نیز بنقل مصادر ذیل4ــ «روض الانف و شرح السیرة»ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی (581) ج 2 ص 431 از مالک بن انس از محمد بن منکدر از جابر5ــ «عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر»یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (685) ص 157 به نقل از «فوائد الاخبار» از اسکافی و «شرح السیره» ابوالقاسم سهیلی.6ــ «فرائدالسمطین»شیخ ابراهیم بن محمد حموینی (730) ج 2 ص 334 شماره 585 به نقل از ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی ــ مؤلف «معانی الاخبار»7ــ «لسان المیزان»ابن حجر عسقلانی (852) ج 5 ص 147 چاپ مصر و ص 130 چاپ حیدر آباد به نقل از «معانی الاخبار» کلاباذی8ــ «العرف الوردی فی اخبار المهدی»جلال الدین سیوطی(911) ص161 بنقل از«فوائدالخبار»اسکافی،9ــ «القول المختصر فی علامات المهدی المتنظر»ابن حجر شافعی مکی (974) ص 56 عکس نسخه خطی مکتبه ظاهریه شام در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم بنقل از فوائد الاخبار اسکافی و شرح السیره ابوالقاسم سهیلی10 ــ نیز در «الفتاوی الحدیثیه»ابن حجر مکّی ص 37 و برحسب چاپ مندرج در الامام المهدی ص 33211ــ «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان»متقی هندی (975) پایان باب سیزدهم کتاب، بنقل از یحیی بن محمد حنیفی ضمن فتوای او (در ردّ مهدی دروغین جونپوری) صادر در سنه 952 هـ.12ــ «لوائح الانوار الالهیه...»شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی (1188) ج 2 بخش ویژه حضرت مهدی تحت عنوان «فائدة الخامسة» بنقل از حافظ اسکافی (مؤلف فوائد الاخبار) از جابربن عبداللّه با تعبیر به مرضی و پسندیده بودن سند آن.13 ــ «ینابیع الموده»سلیمان بن ابراهیم قندوزی (1294)، آغاز باب 78 بنقل از جابر بن عبداللّه انصاری14ــ «الاذاعه لما کان و مایکون بین یدی الساعة»سید محمد صدیق قنو جی بخاری (1307) ص 137 بنقل از «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» ابن خیثمه و «فوائد الاخبار» اسکافی15ــ «المهدی المنتظر»ابوالفضل عبداللّه بن محمد بن صدیق مغربی ادریسی (1308) ص94، به نقل از «فوائد الاخبار ابوبکر اسکافی»فهرست 67 متن حدیثی، تاریخی و کلامی پیرامونحضرت مهدی منتظر(عج) مندرج در کتاب«الامام المهدی عند أهل السّنة»الجزء الأوّل:1 ــ المصنف … لعبدالرزاق بن همام(المتوفی211)2 ــ مصنف … للحافظ عبداللّه بن محمد بن ابی الجاشیة الکوفی(235)3 ــ السنن … لإبن ماجه القزینی(273)4 ــ السنن … لأبی داود السجستانی(275)5 ــ السنن … للترمذی(297)6 ــ البدء و التاریخ … للمقدسی(بعد 355)7 ــ المعجم الکبیر … للطبرانی(388)8 ــ معالم السّنن … لأبی سلیمان الخطابی(388)9 ــ مستدرک الصحیحین … للحاکم النشابوری(405)10 ــ فردوس الاخبار … لشیرویه بن شهردار الدیلمی(509)11 ــ مصابیح السنة … للبغوی(516 ـ 510)12 ــ جامع الاصول … لإبن أثیر الجزری(606)13 ــ الفتوحات المکیة … لمحی الدین بن عربی(638)14 ــ مطالب السئول … لإبن طلحة الشافعی(652)15 ــ تذکرة خواص الأمة … لسبط إبن جوزی(654)16 ــ شرح نهج البلاغة … لابن أبی الحدید(655)17 ــ مختصر سنن أبی داود … للمنذری(656)الشافعی(658)الشافعی(بعد 658)20 ــ تذکرة القرطبی … لمحمّد بن أبی بکر القرطبی(671)21 ــ وفیات الأعیان … لإبن خلکان الإربلی(689)22 ــ ذخائر العقبی … لمحی الدین الطبری(694)23 ــ فرائد السمطین … للحموئی الخراسانی(732)24 ــ مشکاة المصابیح … للخطیب التبریزی(737)25 ــ تلخیص «المستدرک حاکم» … حافظ ذهبی(748)26 ــ خریدة العجائب … لسراج الدین ابن الوردی(749)27 ــ المنار المنیف … لإبن قیّم الجوزیة الحنبلی(751)28 ــ الفتن و الملاحم … لإبن کثیر الدمشقی(774)29 ــ مودة القربی … للسید علی الهمدانی(876)30 ــ شرح المقاصد … لسعدالدین التفتازانی(793)31 ــ مجمع الزوائد … لنورالدین الهیثمی الشافعی(807)32 ــ موارد الظمآن … لنورالدین الهیثمی الشافعی(807)33 ــ الفصول المهمة … لإبن الصّباغ المالکی(855)34 ــ العرف الوردی … للسیوطی الشافعی(911)35 ــ الأئمة الإثنی عشر … لإبن طولون الدمشقی(953)36 ــ الیواقیت و الجواهر … لعبد الوهاب الشعرانی(973)37 ــ الصواعق المحرقة … لأحمد بن حجر الهیثمی(974)38 ــ الفتاوی الحدیثیة … لأحمد بن حجر الهیثمی(974)39 ــ القول المختصر فی مهدی المنتظر … لابن حجر المکی الهیثمی(974)40 ــ کنزالعمال … لعلاءالدین المتقی الهندی(975)41 ــ البرهان فی اخبارصاحب الزمان، … لحسام الدین المتقی الهندی (975)42 ــ مرقاة المفاتیح شرح المصابیح … لعلی القاری الحنفی(1014)43 ــ أخبار الدول و آثار الأوّل … لأحمد الدمشقی القرمانی(1019)44 ــ الإشاعة من أشراط السّاعة … لمحمّد بن عبدالرسول البرزنجی(1103)45 ــ فتح المنان شرح الفوز و الامان … لأحمد بن علی المنینی(1173)الجزء الثانی:46 ــ لوائح الأنوار الإلهیة … لشمس الدین السفارینی(1188)47 ــ اسعاف الراغبین … لمحمّد الصبان الشافعی(1206)48 ــ ینابیع الموده … لسلیمان القندوزی(1270)49 ــ نور الابصار … للسید مؤمن الشبلنجی(بعد 1290)50 ــ مشارق الانوار …للشیخ حسن الخمراوی المصری(1303)51 ــ الاذاعة لما کان و ما یکون... … للسید محمّد صدیق القنوجی(1307)52 ــ القطر الشهدی فی أوصاف المهدی … لشهاب الدین الحلوانی(1308)53 ــ العطر الوردی فی شرح القطر... … لمحمّد البلبیسی الشافعی(1308)54 ــ غالیة المواعظ … لخیرالدین الالوسی الحنفی(1317)55 ــ فیض القدیر شرح الجامع الصغیر … لعبد الرؤف المناوی(1031)العظیم آبادی(المتولد1237)57 ــ نظم المتناثر … لمحمّد بن جعفر الکتانی(1345)58 ــ تحفة الأحوذی … لمحمّد عبدالرحمن المبارکفوری(1354)59 ــ نظرة فی أحادیث المهدی … لشیخ الأزهر محمّد الخضر حسین(1377)60 ــ التاج الجامع للاصول … للشیخ منصور علی ناصف(1371)61 ــ إبراز الوهم المکنون … لأحمد بن صدیق المغربی(1380)62 ــ المهدی المنتظر … لابن صدیق البخاری الغماری(1380)63 ــ حول المهدی … للشیخ ناصرالدین الآلبانی(المعاصر)64 ــ عقیدة أهل السّنة... … للشیخ عبدالمحسن العباد(المعاصر)65 ــ ذیل «عقیدة أهل السّنة» … للشیخ عبدالعزیز بن باز(المعاصر)66 ــ الرد علی من کذّب بالأحادیث المهدی … للشیخ عبدالمحسن العباد(المعاصر)67 ــ عقیدة المسیح الدجال … لسعید ایوب (المعاصر)

فتوای چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنی درباره منکرین مهدی منتظر

نظر به اینکه در اوائل سده دهم هجری شخصی بنام محمد جونپوری با فریب دادن مردم عوام سنی به عنوان مهدی منتظر در سرزمین هند قیام کرد و گروههائی از عوام فریب خور بدو گرویدند وبالاخره کم کم موضوع مهدویت او مسئله آفرین شد، اهل تسنن از چهارنفر از علمای سنی درباره شخصیت مهدی و مهدویت جونپوری استفتاء و نظرخواهی شرعی نمودند.آنها هم با تکیه و استناد به احادیثی که بیانگر علائم ظهور مهدی موعود منتظر است و شخص مدعی مهدویت هم فاقد شرایط امامت بود و هم ظهورش غیر مقرون به علائم ظهور حضرت مهدی، او را تخطئه و رد نموده و حتی خود و پیروانش را ــ بر اساس بیراهه روی و تکفیر مسلمانان مخالف با وی ــ تکفیر و محکوم به ارتداد و اعدام کردند.اکنون ما بخاطر رعایت اختصار از ذکر متون آن فتاوی معذرت خواسته ولی در رابطه با موضوع بحث که در رد و رهنمون منکران حضرت مهدی و تخطئه کنندگان احادیث پیرامون آنحضرت خلاصه می شود خواستاران آنرا به کتاب «البرهان» متقی هندی (باب سیزدهم) که در رد محمد جونپوری و مشتمل بر فتاوی مذکور است ارجاع می دهیم تا خود با ملاحظه آن فتاوی پی به واقع امر و مخالفت جدی علمای سنی با منکرین آنحضرت برند و در شناخت مهدی راستین اسلام از مهدی های دروغین هر عصر و زمانی دچار اشتباه نشوند.مهدی فقیه ایمانیرمضان المبارک 1417

پاورقی

[1] «مهدی منتظر را بشناسید» تالیف نگارنده این مقاله ـ مهدی فقیه ایمانی ـ چاپ 1384 هـ اصفهان، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عج است. 2ــ «کتابنامه امام المهدی» نشریه یکی از مساجد تهران (صندوق پستی 2223، تهران) شامل معرفی 355 جلد کتاب می باشد که به طور اختصاصی یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعض شئون آن حضرت است. 3ــ «درجستجوی قائم» بیانگر اسامی 1850 جلد کتاب می باشد که تعداد 429 جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی های کلامی، حدیثی، تاریخی و غیره درباره حضرت بقیة اللّه مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال 1370 هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است. 4ــ و از همه پرمایه تر «کتابنامه حضرت مهدی عج» از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور است 2 جلد شامل معرفی 2066 جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و زبانی و موضوعی هریک ذکر شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده، و راهگشای محقیقین و مؤلفین میباشد.

[2] توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسّسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت، و پس از تنظیم این ردّیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» (Ehl - i Beyt mesajI) شماره 15، چاپ ترکیه چاپ و منتشر گردید. بدین وسیله از مسؤلان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریّت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق بیش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

[3] نظرة فی احادیث المهدی، مندرج در مجله التمدن الاسلامی، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدی عند اهل السنة.

[4] مقال حول المهدی مندرج در دو مصدر فوق.

[5] توضیحا کتاب «شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی» چ 1412 هـ در 546 صفحه وزیری، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق است از دیدگاه اهل تسنّن.

[6] بحارالانوار 23/76 ـ 95 چاپ دوم،ودرچ امین الضرب قدیم 7/16 ـ20.

[7] توضیحابخشی ازاین کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم در سال 1403 بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی و وسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده، ولی موقع تنظیم این رساله دردسترس نگارنده نبود تابدان مراجعه وبلاواسطه ازآن نقل شود.

[8] به نقل سید بن طاووس در «طرائف» ص 210 ضمن شماره 305، و «ندیم الفرید» بعنوان «ندیم الأحباب وجلیس الأصحاب» نسخه خطی آن در کتابخانه مغنیسا از بلاد ترکیه بشماره (1210) موجود است.(اعلام زرکلی 1/212).

[9] تذکرة قرطبی ص 701. ــ تهذیب الکمال حافظ مزی 25/146 ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی. ــ منار المنیف إبن قیم جوزیه حنبلی ص142. ــ تهذیب التهذیب إبن حجر عسقلانی 9/125 ذیل شرح حال محمد بن خالد و احتجاج بکلام ابری در ردّ بر او. ــ فتح المغیث سخاوی (بنقل نظم المتناثر کتانی ص144). ــ مصباح الزجاجة سیوطی (بنقل عطرالوردی بلبیسی ص45) و عرف الوردی ص165. ــ صواعق المحرقة إبن حجر ص99 و در چاپ دیگر ص167. ــ البرهان متّقی هندی باب دوازدهم. ــ فرائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی (بنقل لوائح الأنوار سفارینی ص23). ــ الإشاعه برزنجی ص87. ــ شرح المواهب اللدنیه زرقانی (بنقل المتناثر کتانی ص114). ــ لوائح الأنوار البهیه سفارینی ــ مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنّة 2/23 ــ. ــ اسعاف الراغبین صبّان ص140. ــ نور الأبصار شبلنجی ص171. ــ نظم المتناثر کتانی ص228. ــ عقیدة اهل السنة و الاثر عبدالمحسن عباد ــ مندرج در الإمام المهدی عند اهل السنّة 2/402 ــ. ــ الإحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر تویجری ص28 و 143 و 301. ــ المهدی المنتظر إبن صدیق غماری ص7.

[10] توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده، ولی سیوطی (متوفی 911 هـ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی و تنظیم و به «العرف الوردی فی اخبار المهدی» نامگذاری و به ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه «الحاوی للفتاوی» را ارائه داده که بسال 1378هـ 1959م در مصر چاپ و منتشر گردیده، و از علمای شیعه اربلی در «کشف الغمه»، بحرانی در «غایة المرام» و علامه مجلسی دوم در «بحارالانوار» (ج 1 ص 78 ــ 85) و عاملی در «اعیان الشیعة» (جزء 4 بخش 3) و بلاغی در «حجت بالغه» و مؤلفین «نامه دانشوران» در ج 2 این کتاب آن را درج نموده اند.

[11] این روایت را در مناقب نیافتم ولی در مقتل ج 1 ص 146 ذکر شده.

[12] این کتاب تألیف این ضعیف، شامل 56 متن حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضـرت مهدی(عج)، که برای دومین بار بسال 1402 در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

[13] جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به «الذریعه» 23/233، و «معجم المؤلفین» 6/20.

[14].

[15] این کتاب کراراً در حاشیه «نورالابصار» شبلنجی، ویکبارهم در حاشیه «مشارق الانوار» حمزاوی در مصر به چاپ رسیده است.

[16] ملل و نحل شهرستانی 2/11، غیبت شیخ طوسی ص 192، المهدیه فی الاسلام ص 93.

[17] غیبت شیخ طوسی ص 192، مقدمه ابن خلدون ص 219، ملل و نحل شهرستانی 1/200، المهدیه فی الاسلام ص 103.

[18] مقدمه ابن خلدون ص 222، تاریخ فخری ص 148، مجله الهلال مصر جلد 17 سال 4 صفحه 643.

[19] المهدیة فی الاسلام ض 117.

[20] طبقات ابن سعد 5/245، المهدیه فی الاسلام ص 184.

[21] المهدیه فی الاسلام ص 184.

[22] ملل و نحل شهرستانی2/3، غیبت شیخ طوسی ص 192.

[23] المهدیه فی الاسلام ص 125.

[24] ملل و نحل شهرستانی2/4، غیبت شیخ طوسی ص 192 و 198.

[25] غیبت شیخ طوسی ص 192و 198.

[26] ملل و نحل شهرستانی2/7، غیبت شیخ طوسی ص 192 و 220.

[27] غیبت شیخ طوسی ص 222 و 225 ــ 227 و 287.

[28] المهدیه فی الاسلام ص 48.

[29] المهدیه فی الاسلام ص 135.

[30] طبقات ابن سعد 5/245، المهدیه فی الاسلام ص 182.

[31] تاریخ فخری ص 237، مقدمه ابن خلدون ص 374، اخبار الدول واثار الاول قرمانی ص189.

[32] تاریخ ابی الفداء 2/232، مجله الهلال سال 4 شماره 17 ص 643، مقدمه ابن خلدون ص 366.

[33] المهدیه فی الاسلام ص 48.

[34] مقدمه ابن خلدون ص 367، مجله الهلال سال 4 شماره 17 ص 643.

[35] مقدمه ابن خلدون ص 367.

[36] ترجمه رساله دار مستتر، از محسن جهانسوز.

[37] ترجمه رساله دار مستتر.

[38] مجله الهلال سال 4 شماه 17، ص 644 و سال 7 شماره 6.

[39] مقدمه ابن خلدون ص 367.

[40] ملل و نحل شهرستانی 2/17.

[41] الهلال سال 4 شماره 17 ص 644.

[42] الهلال سال 4 شماره 17 ص 643، ظاهرة الغیبة و دعوی السفاره ص 300 ــ 370، المهدیة فی الاسلام ص 270، مفتاح باب الابواب ص 77.

[43] دائرة المعارف الاسلامیه ج 1 ص 496، المهدیه فی الاسلام ص 268، مفتاح باب الابواب ص 69.

[44] جهت آگاهی بر هویت سید کاظم رشتی و نقش او در گسترش فرقه بهائی گری رجوع شود به کتاب ظاهرة الغیبة و دعوی السفارة، میرزا محسن آل عصفور بحرینی ص 247 ــ 300 چاپ قم.

[45] دائرة المعارف اسلامیه 1/496، المهدیه فی الاسلام ص 268، مفتاح باب الابواب ص 69، نصایح الهدی بلاغی، اسرار العقاید میرزا ابوطالب شیرازی چاپ 1324 در نوبت دوم و دهها کتاب دیگر در ردّ بهائی گری که اکثراً چاپ و منتشر گردیده، جهت آگاهی بر فهرست اسامی 87 جلد کتاب در رد آنها مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی (عج) تألیف آقای علی اکبر مهدی پور ص 817 ــ 820.

[46] کتاب الغیبة شیخ طوسی ص 397 ــ 415 و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید 8/122.